

نیایش

نوشته: کانون یوحنا ی رسول

مقدمه	۱
فصل اول: نیایش‌های روزمره	۳
فصل دوم: مزامیر و سرودهای منتخب جهت نیایش	۶
فصل سوم: نیایش‌های خاص	۵۶
فصل چهارم: سایر نیایش‌ها	۹۱

«پذیرفتن روح القدس: فعالیت یک عمر می باشد.»

بنابراین هر روز بگوییم: «بیا، ای روح القدس، ای سرچشمه محبت و آرامش، بیا!»

ای روح القدس،
ای عزیزترین میهمان دل‌های ما
معنای ژرف این جشن بزرگ بر ما آشکار نما
و دل‌های ما را برای برپایی آن در ایمان
در امیدی که یأس نمی‌پذیرد
و در محبتی رایگان مهیا ساز

ای روح راستی،
تو که عمق‌های خدا را کاوش می‌کنی
ای روح یاد آورنده و قدرت نبوت در کلیسا
در عیسای ناصری بشریت را به سوی شناخت
خداوند جلال، منجی عالم
و کمال والای تاریخ هدایت فرما

ای روح آفریننده،
ای معمار نامرئی ملکوت
با قدرت عطایای مقدست کلیسا را هدایت نما
تا از آستانه هزاره جدید با شجاعت بگذرد
و نور کلمه نجات‌بخش را
به نسل‌های آینده برساند

ای روح تقدس،
ای نفخه الهی که کائنات را حیات می‌بخشی
بیا و چهره زمین را تازه کن
اشتیاق روشن از اتحاد صمیمانه با خدا
وسیله‌ای مؤثر جهت وحدت تمام بشر

ای روح مصاحبت،
ای جان و حامی کلیسا
عطا کن که عطایا و خدمت‌ها
جهت اتحاد بدن مسیح همکاری کنند
عطا فرما که تعمید یافتگان
و راهبان و خادمان دستگذاری شده
دست به دست هم دهند
تا ملکوت یگانه خدا را بسازند

ای روح تسلی،
ای سرچشمه لایزال شادی و آرامش

همدردی با فقیران را به ما الهام کن
بیماران را قوت لازم عطا فرما
به رنجدیدگان و تجربه شدگان امید و اطمینان ببخش

نیایش (۲): دعا‌های شخصی

و اشتیاق به آینده‌ای بهتر را در تمام دل‌ها احیا کن.

ای روح حکمت،
ای الهام‌بخش قلوب و اذهان
تحقیقات علم و صنعت را هدایت فرما
تا در خدمت زندگی، عدالت و صلح باشند
گفتگوی ما را با پیروان سایر ادیان مثمر‌تر بگردان
و فرهنگ‌های مختلف را به ستایش ارزش‌های انجیل هدایت کن

ای روح زندگی،
که کلمه خدا به قدرت تو
در رحم مریم عذرا، بانوی سکوت و بیداری، تن گرفت
ما را مطیع پیشنهادات محبت خود بگردان
و مہیای پذیرفتن آن نشانه‌های ایام
که در مسیر تاریخ قرار داده‌ای

ای روح محبت،
ستایش، احترام و جلال بر تو باد
همراه با پدر قادر مطلق و پسر یگانه محبوب
از الان تا ابدالابد، آمین.

(دعای پاپ ژان پل دوم در دومین سال جشن بزرگ ۲۰۰۰)

فصل اول: نیایش‌های روزمره

نیایش بامدادان

به نام پدر و پسر و روح‌القدس، خدا را در برترین آسمان‌ها جلال و بر زمین در بین مردمی که مورد لطف او می‌باشند صلح و سلامتی باد، آمین. برکت ده خداوندا.

ای پدر ما که در آسمانی، تقدیس شود نام تو، بیاید فرمانروایی تو. قدوس، قدوس، قدوسی، ای پدر ما که در آسمانی، آسمان و زمین سرشار از عظمت جلال توست. فرشتگان و انسان‌ها بانگ برمی‌آورند: قدوس، قدوس، قدوسی.

ای پدر ما که در آسمانی، تقدیس شود نام تو، بیاید فرمانروایی تو، روان باد خواست تو روی زمین، چنانکه در آسمان است. نان روزانه ما را امروز به ما ده، ببخشای گناهان ما را چنانکه ما نیز می‌بخشیم مدیونان خود را و ما را در وسوسه میاور، بلکه ما را از شریر رهایی ده، زیرا فرمانروایی و قدرت و جلال تا به ابد از آن توست، آمین.

قرائت متنی منتخب از اناجیل

دعای پیش از مزمو

ای خداوند ما و ای خدای ما، به ما شایستگی عطا فرما تا طبق اراده پرستش خدائیت با خلوص و صداقت و آگاهی و کوشش و راستی و تقدس، نیایشی پاک بجا آورده تا خداوندا خدمت ما خشنودی تو، دعای ما خواسته تو و التماس ما مورد قبول مهربانی و رحمت تو واقع شود تا موجب بخشایش خطاها و زدودن گناهان تمام ایماندارانی که با فیض و رحمت خود برگزیدی، باشد. ای سرور جمیع عالم، پدر و پسر و روح‌القدس تا ابدالابد، آمین.

خواندن مزمو. یکی از مزامیر منتخب در بخش دوم همین کتاب را بخوانید.

نیایش طلب بامدادی

در طلوع بامداد، تو را که نجات‌دهنده همه آفریدگان هستی، ستایش می‌کنیم. با رحمت خود روز پر آرامشی را به ما عطا کن، از خطاهایمان بگذر، امیدمان را قطع مکن، در را بر ما مبنده. توجهات را از ما دریغ مدار، ناشایستگی ما را در نظر مگیر، ای که از ناتوانی ما آگاهی. خدایا، در جهان بذر محبت و آرامش و سازگاری را بیفشان. خادمان و کشیشان و مسؤولان را برپا دار. آرامش و سلامتی را به سران عطا کن. بیماران را شفا ده و شفایافتگان را محافظت فرما. گناهان همه انسان‌ها را ببخش، آمین.

دعای شخصی (آزاد)

دعای خاتمه

ای خداوند ما و ای خدای ما، با فیض خود در این بامداد عطا کن: رهایی مظلومان، آزادی اسیران، آسایش رنج‌دیدگان، شفای بیماران، نزدیکی دور شدگان، نگهداری نزدیکان، بخشایش گناهان، پذیرفتن توبه‌کنندگان، سربلندی صالحان، مواظبت از فقیران، پیدا شدن گمشدگان، برگشتن طرد شدگان، یادبود نیکوی درگذشتگان و رحمت و برکت برای تمام آفریدگان هستی را. با فیض و رحمت خود برای ما و تمام انسان‌ها آن چیزی را مقدر کن که یاری‌دهنده ما ناتوانان و گناهکاران باشد، تا سزاوار خداوندیت گردیم، اکنون و تا ابدالابد، آمین.

نیایش نیمروز

به نام پدر و پسر و روح‌القدس
خدا را در برترین آسمان‌ها جلال و بر زمین در بین مردمی که مورد لطف او می‌باشند، صلح و سلامتی باد، آمین.
برکت ده خداوندا، ای پدر ما که در آسمانی، تقدیس شود نام تو، بیاید فرمانروایی تو، قدوس، قدوس، قدوسی، ای

پدر ما که در آسمانی، آسمان و زمین سرشار از عظمت جلال توست. فرشتگان و انسان‌ها بانگ برمی‌آورند: قدوس، قدوس، قدوسی.

ای پدر ما که در آسمانی، تقدیس شود نام تو، بیاید فرمانروایی تو، روان باد خواست تو روی زمین، چنانکه در آسمان است. آن نان روزانه ما را امروز به ما ده، ببخشای گناهان ما را چنانکه ما نیز می‌بخشیم مدیونان خود را و ما را در وسوسه میاور، بلکه از شریر ما را رهایی ده، زیرا فرمانروایی و قدرت و جلال تا به ابد از آن توست، آمین.

قرائت متنی منتخب از عهد عتیق

خواندن مزموور: یکی از مزامیر منتخب در بخش دوم همین کتاب را بخوانید.

نیایش شامگاهان

به نام پدر و پسر و روح‌القدس
خدا را در برترین آسمان‌ها جلال و بر زمین در بین مردمی که مورد لطف او می‌باشند، صلح و سلامتی باد، آمین.
برکت ده خداوند. ای پدر ما که در آسمانی، تقدیس شود نام تو، بیاید فرمانروایی تو، قدوس، قدوس، قدوسی، ای پدر ما که در آسمانی، آسمان و زمین سرشار از عظمت جلال توست. فرشتگان و انسان‌ها بانگ برمی‌آورند: قدوس، قدوس، قدوسی.

ای پدر ما که در آسمانی، تقدیس شود نام تو، بیاید فرمانروایی تو، روان باد خواست تو روی زمین، چنانکه در آسمان است. آن نان روزانه ما را امروز به ما ده، ببخشای گناهان ما را چنانکه ما نیز می‌بخشیم مدیونان خود را و ما را در وسوسه میاور، بلکه از شریر ما را رهایی ده، زیرا فرمانروایی و قدرت و جلال تا به ابد از آن توست، آمین.

قرائت متنی منتخب از رسالات در کتاب عهد جدید

دعای پیش از مزموور

ای خداوند با اقرار به الوهیت تو ستایش‌های روحانی بجا آورده و شکوهت را با تمجید زمینی بر زبان می‌آوریم. ذات مخفی تو را خلوص و صداقت و نیایشی پاک می‌ستاییم. ای سرور جمیع عالم، پدر و پسر و روح‌القدس تا ابدالابد، آمین.

خواندن مزموور: یکی از مزامیر منتخب در قسمت دوم همین کتاب را بخوانید.

دعای ستایش

تو را اقرار می‌کنیم ای خداوند جهان و تو را ستایش می‌کنیم ای عیسیای مسیح، چون تویی که تن‌های ما را برمی‌خیزانی و تویی که نجات‌دهنده روح‌های ما هستی.

دعای خدای قدوس

خدای قدوس، قدوس و قادر، قدوس و جاودان بر ما رحمت فرما (سه بار). جلال بر پدر و پسر و روح‌القدس، از آغاز تا ابدالابد، آمین.

دعای طلب شامگاهی

ای خداوند ما و ای خدای ما، با رحمت بیکران خود به دعای بندگانت گوش فرا ده و خواسته‌های ستایش‌کنندگان را بپذیر. با فیض و مهربانی خود از گناهان ما بگذر ای حکیم جسم و امید جانمان، ای سرور جمیع عالم، پدر و پسر و روح‌القدس تا ابدالابد، آمین.

دعای شخصی (آزاد)

دعای خاتمه

جلال بر تو باد ای عیسی، ای پادشاه پیروز ما، ای روشنایی پدر جاودانی، ای که پیش از ازل و قبل از هر چیزی که به هستی آید، مولود بودی. ما امید و انتظار دیگری غیر از تو نداریم. با دعای عادلان، برگزیدگان که از همان ابتدا مورد قبول تو واقع شد، گناهان و خطاهای ما را ببخش و ما را از پریشانی برهان، به خواسته‌هایمان جواب ده و ما را در نور پر جلال بیاور. ما را از تمام زیان‌ها و آسیب‌ها مصون بدار، ای مسیح، ای امید حال و سراسر زندگی‌مان، تا ابدالابد، آمین.

فصل دوم: مزامیر و سرودهای منتخب جهت نیایش

مزامیر منتخب جهت نیایش بامدادی
«نور جهان را در نور تو می‌بینیم» (مزمور ۵). «سحرگاهان صدای من را می‌شنوی»

ای خداوند به سخنانم گوش فرا ده
التماسم را دریاب
دعایی را که به سویت می‌آید بشنو
ای پادشاه من، ای خدای من

خداوندا تنها از تو یاری می‌خواهم
بامدادان به ندای من گوش می‌دهی
سحرگاهان، خود را برای تو می‌آرایم
و در انتظار تو می‌مانم

تو خدایی نیستی
که شرارت را دوست بداری
شریران میهمان تو نیستند
و نادانان تاب نگاه تو را ندارند

از بدکاران نفرت داری
خداوندا، تو دروغگویان را از میان برمی‌داری
و از قاتلان و فریبکاران بیزاری

اما من در پناه محبت تو
به خانه‌ات داخل می‌شوم
و با ترس و احترام
به سوی معبد مقدست به خاک می‌فتم

خداوندا، به حسب عدالت خود من را رهبری کن
و با وجود دشمنانی که در کمین من هستند
راه خود را پیش روی من هموار گردان

زیرا بر زبان ایشان هیچ راستی نیست
اعمال قلبشان پر از شرارت
گلویشان قبری گشاده و زبانشان فریبنده است

(خدایا، ایشان را گناهکار بدان
توطئه‌هایشان را سبب سقوطشان گردان
به جرم فراوانی جنایاتشان، آنها را طرد کن
زیرا که بر ضد تو قیام کرده‌اند).

شادی و نشاط جاودانه، از آن کسی باد
که به تو پناه آورد!
تو حامی آنانی هستی که نامت را عزیز می‌دارند
و آنها با تو به وجد می‌آیند

خداوند، این تویی که درستکار را متبارک خواهی گردان
محبت تو همچون سپری حافظ او خواهد بود.

ای خداوند، بگذار دعای من دعای پسر محبوب تو باشد: من را به سوی خودت بازگردان و من را در میان این دنیای
افسار گسیخته بیدار نگاه دار. در او که عادل است من را برکت ده، زیرا در اوست که نام تو را دوست دارم.

چه بزرگ است نام تو

مزمور ۸

ای یهوه، خدای ما، در سراسر گیتی
چه بزرگ است نام تو!

جلال تو تا به آسمان‌ها خوانده شده
نام تو در دهان کودکان خردسال
چون حصاری در برابر دشمنان توست
که آنها را از شورش و انتقام بازمی‌دارد

در مقابل آسمان که کار انگشتان توست
ماه و ستارگانی که تو آفریدی
چیست آدمی که به او فکر می‌کنی؟
کیست فرزند انسان که تو نگران او باشی؟

او را اندکی از خدا کمتر ساخته‌ای
و تاجی از شکوه و افتخار بر سرش نهاده‌ای
آفریده‌های خود را در اختیار او گذاشته‌ای
و همه چیز را زیر پایش قرار داده‌ای

گله گاوان و گوسفندان
و حتی حیوانات وحشی را
پرندگان آسمان و ماهیان دریا
و همه آبزیان

ای خداوند، خدای ما، در سراسر گیتی
چه بزرگ است نام تو!

ای خدای ما، سپاس بر تو باد، زیرا تو زمین را آفریدی تا آدمی بر آن مسلط شود و شکوه نام تو را همه جه بسراید!
سپاس بر تو باد به خاطر عیسی، پسر یگانه تو که اندک زمانی به مرتبه‌ای پایین‌تر از فرشتگان درآمد و تاج جلال بر
سر نهاد، خداوند سراسر کائنات! سپاس بر نام تو باد!

در نور تو نور را خواهیم دید

مزمور ۳۶

در اعماق قلب شریر
گناه است که سخن می گوید
و ترس خدا را
از جلوی چشمانش دور نگه می دارد

او خویشتن را با فخر می نگرد
تا گناهانش را نشناسد و از آنها بیزار نشود
در دهان او جز تزویر و ریا نیست
و از حکمت و نیکوکاری دست کشیده است

در بستر خود آرمیده، جنایتی را اندیشه می کند
در راهی که نیکو نیست اصرار می ورزد
نه، او بدی را ترک نخواهد کرد.

خداوند، آسمانها لبریز از محبت تو هستند
و حقیقت تو، تا به عرش کهکشانهاست
عدالت تو همچون افراشته ترین کوهها
و احکام تو، لجه عظیم
تو، یاور انسان و حیوان هستی
محبت تو ای خداوند، چه گرانبهاست!

ای خدا، بدینسان فرزندان آدم در سایه بالهای تو پناه می گیرند
از ضیافت خانه تو سرمست می شوند
و از نهادهای گوارای خود سیرابشان می کنی
چون سرچشمه زندگی در توست

محبت خویش را برای آنانی که تو را شناخته اند
و عدالت خود را برای همه راست دلان نگاه دار
مبادا پای متکبران بر من بر آید
و دست شریران من را به نابودی افکند
اینجاست که بدکاران میفتند
افکنده می شوند و دیگر توان به پا خاستن نمی یابند

ای خدا، یگانه سرچشمه زندگی، ای نوری که نور را می نمایانی، گناهکاران را از نابینایی شان بیرون آر تا محبت و حقیقت تو را بشناسند. به تمامی انسانهای نجات یافته توسط مسیح، مکانی در ضیافت خانه خود ارزانی دار.

از سپیده دمان تو را می جویم

مزمور ۶۳

ای خدا، تو خدای من هستی
از سپیده دم تو را می جویم
در زمین خشک و تشنه و بی آب

جان من تشنه توست
و جسمم نیز با ناله تو را می خواهد
آنگاه، تو را در قدس الاقداس نگریستم
و جلال و نیرومندی تو را دیدم

محبت تو از زندگی پربهتر است
ستایش تو بر لبانم خواهد بود
تا زنده هستم، تو را متبارک خواهم خواند
به نام تو، دست‌هایم را بر خواهم افراشت
جان من از ضیافت تو سیر خواهد شد
بر لبانم شادی و در دهانم سپاس تو خواهد بود

شبانگاه که یاد تو می‌کنم،
در شب بیداری‌هایم، به تو میندیشم
این تویی که به یاری من آمده‌ای
و زیر سایه بال‌های تو فریاد شادی سر می‌دهم
جانم به تو پیوسته است،
دست راست تو من را نگاه می‌دارد

ای خدای من، روی زمین که تبعیدگاه من است! کجاست سرودهای تو؟ در سرزمینی که می‌خواهد گمراهم نماید،
ضیافت تو کجاست؟ در بیابان‌هایی که داخلشان می‌شوم، آب‌های تعمیدم کجایند؟ به یاری من بیا، ای خدای من، بار
دیگر به قلب و تن من تشنگی ده، تا در ظلمت شب خویش تو را به یاد آورم و از سپیده دمان تو را جستجو نمایم،
آنگاه با تمامی وجود به تو دل خواهم بست و دست برافراشته تو را متبارک خواهم خواند.

کارهای تو من را از شادی لبریز می‌سازد

مزمور ۹۲

چه نیکوست خداوند را سپاس گفتن
و نام خدای متعال را سرودن
سپیده دمان از محبت تو گفتن
و سراسر شب، از وفاداری تو یاد کردن
با نوای چنگ و بربط ده سیم
و نوای موزون رباب سرودن

کارهای تو من را از شادی لبریز می‌سازد
در برابر اعمال دست تو با فریاد می‌گویم
«خداوند کارهای تو چه عظیم است
و فکرهای تو بی‌نهایت عمیق
نادان این را نمی‌داند
و جاهل این را درک نمی‌کند

اگر شریران همچون علف رشد کنند
و شرارتشان ثمر دهد
سرانجامشان جز فنا نیست
تو که بر بالای آسمان‌ها ساکنی

خداوند هستی تا به ابد
خداوندا دشمنانت را ببین که از بین می‌روند
و بدکاران را که پراکنده می‌شوند

تو به من جنبش گاو نر را می‌بخشی
من را با روغن ناب مسح می‌نمایی
چشم من جاسوسانم را ورنده می‌کند
و گوشم صدای حمله‌کنندگانم را می‌شنود

عادل مثل نخل خواهد رویید
چون سرو آزاد لبنان نمو خواهد کرد
کاشته شده در خانه خداوند
در صحن‌های خدای ما خواهد شکفت

در پیری‌اش نیز، میوه می‌آورد
شیره و سبزی‌ش پایدار خواهد ماند
ندا کنید: «خداوندا راستی است و در خدا، صخره من، هیچ ناراستی نیست!»

ای خدا که خداوند جاودانی هستی، برای زندگی مسیح تو و برای بدن او که در میان ما رشد نموده، تو را سپاسگزاریم.
بگذار که کلیسای تو باز هم ثمر دهد تا سرشار از شادمانی عظمت تو محبت را به تمامی دنیا اعلام کند.

از فراز آسمان‌ها تا روی زمین، او را حمد گوئید

مزمور ۱۴۸

هللویاه

از فراز آسمان‌ها خداوند را سپاس گوئید
از اوج سپهر او را حمد گوئید
شما ای تمامی فرشتگانش، او را سپاس گوئید
شما، ای تمامی جهانیان، او را سپاس گوئید

ای خورشید و ماه، او را سپاس گوئید
ای ستارگان درخشان، او را سپاس گوئید
ای آسمان‌های برین، او را سپاس گوئید
و شما ای آب‌هایی که در فراز آسمان‌ها

باشد که همگی ایشان نام خداوند را سپاس گویند
زیرا به فرمان او آفریده شدند
هم اوست که آنها را تا به ابد،
و بر قانون ابدی استوار گردانده است

از زمین خداوند را سپاس گوئید،
ای هیولاهای دریایی و تمامی بچه‌ها
ای آتش و تگرگ، برف و مه
و ای باد و طوفان‌ها که مطیع کلام او هستید

ای کوه‌ها و تمامی تپه‌ها
ای درختان میوه و همه سروهای آزاد
ای حیوانات وحشی، ای همه بهایم،
ای خزندگان، ای پرندگان که در پروازید

ای پادشاهان زمین، ای همه امت‌ها
ای شاهزادگان و تمامی داوران جهان
ای جوانان و دوشیزگان
ای پیران و کودکان

باشد که همگی ایشان نام خداوند را سپاس گویند!
زیرا تنها نام او برتر است
جلالش بر آسمان و زمین حکمفرما
او بر قدرت قوم خویش میفزاید،
زیرا تمامی ایماندارانش او را ستایش می‌کنند
فرزندان اسرائیل، قوم برگزیده او
هللویاه!

ای خدا، هر چه هست تو آفریده‌ای. نام تو بالاتر از تمامی نام‌های ستودنی است! بلی قوم تو، تو را می‌ستاید، ای خدای
متعال، زیرا تو نزد او هستی در عیسی پسر محبوب خود.

خداوند را در جماعت ایماندارانش تسبیح خوانید!

مزمور ۱۴۹

هللویاه

سرودی تازه برای خداوند بسرایید
باشد که او در جماعت ایماندارانش جلال یابد
برای آفریننده خود، در اسرائیل شادمانی کنید
و در صیهون برای پادشاه خویش وجد نمایید
با رقص نام او را ستایش گویند
برایش بربط و عود بنوازید

زیرا خداوند قوم خویش را یآوری می‌کند
او به مسکینان، جلال پیروزی می‌بخشد
مؤمنان در شکوه فخر می‌نمایند
و در پرستشگاه‌های خود شادی می‌کنند
با صدای بلند خدا را تسبیح گویند
مانند شمشیر دو دم در دست

تا از ملت‌ها انتقام گیرند
و قوم‌ها را تأدیب نمایند
زنجیرهای پادشاهان را سنگین سازند
و شاهزادگان را به زندان افکنند
فرمان مکتوب را در حق ایشان روا دارند
این افتخاری است برای همه ایمانداران او

ای خدا، آفریننده و خدای ما، عطا کن ملکوت تو در قلب ایماندارانت بیاید، بگذار کلیسایی را که تو دوست می‌داری، هوادار فروتنان باشد و با مسیح بر بدی پیروز شود.

هر که روح دارد، خداوند را تسبیح بخواند

مزمور ۱۵۰

هللویاه!

خدا را در معبد مقدسش ستایش کنید
قدرت لایزال او را بستایید
برای کارهای عظیمش، او را بستایید
برای جلال بی‌پایانش، او را ستایش کنید

او را با آواز کرنا بستایید
او را با نوای چنگ و عود بستایید
با آوای تار و نی، او را بستایید
با طبل و رقص او را بستایید

با سنج‌های بلند آواز، او را بستایید
با سنج‌های خوش نوا، او را بستایید
هر که روح دارد
جلال خداوند را بسراید
هللویاه!

برای هر آنچه که تو انجام می‌دهی، با هر آنچه که تو را می‌سرایند و با هر آنچه که هستیم ستایش و سپاس بر تو باد
ای خدای ما، ای پدر قدوس، پسر محبوب، روح محبت!

سرودهای منتخب از عهد جدید

او قوم خود را ملاقات می‌کند

لوقا ۱: ۶۸-۷۹

متبارک باد خداوند، خدای اسرائیل
که بر قوم خود نظر کرده آن را فدیة می‌دهد
قدرتی را که نجات‌دهنده ماست
در خاندان داوود، بنده خود، پدیدار می‌سازد
آنان که از قدیم
از دهان مقدسین و انبیای خود گفته بود

نجاتی که ما را از دشمن
از دست تمامی ستمگرانمان رهایی می‌بخشد
محبتی که به پدرانمان ظاهر می‌کند
با یادبود پیمان مقدسش است

سوگندی که برای پدر ما ابراهیم یاد کرد
که عطا کند تا ما عاری از ترس

رها شده از دست دشمنان
در عدالت و قدوسیت، او را خدمت کنیم
و تمامی روزهای زندگی مان، رو در رو با او بسر ببریم

و تو ای طفل خردسال
پیامبر حضرت اعلی نامیده خواهی شد
پیش روی خداوند گام برخواهی داشت
تا راه او را آماده سازی
تا به قوم او نوید نجات دهی
از راه آمرزش گناهان ایشان

و این از راه محبت قلبی خدای ماست
این آفتاب طالع که به دیدار ما می آید
تا بر آنانی تابد که در ظلمت و سایه مرگ بسر می برند
و قدم های ما را در طریق صلح هدایت کند

خود را فروتن ساخت، خدا او را سرافراز نمود

فیلیپیان ۲: ۶-۱۱

مسیح عیسی با اینکه هم ذات با خدا بود
برابر بودن با او را
غنیمت نشمرد
بلکه خود را تهی ساخت
و چهره برده را بر خود گرفت
او که به صورت انسان شکل یافت

خویشتن را تا به مرحله مرگ فروتن ساخت،
مرگ بر روی صلیب
از این سبب، خدا او را سرافراز نمود
و به او نامی بخشید
که برتر از همه نامهاست

تا سرانجام به نام عیسی
هر زانویی در آسمان
در زمین و در هاویه خم شود
و همه زبان ها بگویند:
«عیسی خداوند است
برای جلال نام پدر»

بر بره قربانی شده جلال باد

مکاشفه ۴: ۱۱، ۵: ۹ و ۱۰ و ۱۲

ای خداوند خدای ما،
ستایش و جلال و قوت تو را سزااست
تو هستی که دنیا را آفریدی

تو خواستی که آن باشد و آفریده شد

ای مسیح، ای خداوند
تو شایسته‌ای که آن کتاب را برداری و مهرهایش را بگشایی
زیرا تو قربانی شدی و به بهای خون خود
انسان‌ها را از هر قبیله
زبان، قوم و ملت، برای خدا باز خریدی

برای خدای ما قلمروی ساختی
و ما را فرمانروایان و کاهنان آن کردی
و ما بر زمین سلطنت خواهیم کرد

به راستی بره قربانی شده شایسته است
تا قوت و دولت، حکمت و توانایی
و ستایش و سپاس و جلال را بیاید!

اینک سلطنت خدای ما

مکاشفه ۱۱: ۱۷ و ۱۸، ۱۲: ۱۰-۱۲
تو را سپاس می‌گوییم، ای خداوند، ای خدای عالم،
تویی که هستی، تویی که بودی
تو قوت عظیم خود را به دست گرفتی و بر تخت سلطنت نشست

قوم‌ها خشمگین شدند
آنگاه که خشم تو آشکار شد
و زمان داوری مردگان فرا رسید
زمان پاداش بندگان تو یعنی انبیا و مقدسین
آنانی که از کوچک و بزرگ، از نام تو می‌ترسند

اینک پیروزی، سلطنت و قوت خدای ما
و اینک قدرت مسیح او ظاهر می‌شود
آن (شیطان) که به برادران ما تهمت می‌زد
او که شبانه‌روز در حضور خدای ما، آنها را متهم می‌ساخت
به بیرون رانده شد

توسط خون بره
و از راه آن کلام که بدان شهادت دادند
از جان خویش گذشتند
و حتی مرگ را پذیرا شدند

در شادمانی به لرزه آییید ای آسمان‌ها
و شما، ای ساکنان آسمان‌ها!

مزامیر منتخب جهت نیایش نیمروز

خداوند نگاهبان توست

مزمور ۱۲۱

به سوی کوه‌ها چشم برمیفرزم
نجات من از کجاست؟
نجات من از جانب خداوند خواهد بود
که آسمان و زمین را آفریده است

نمی‌گذارد که پای تو بلغزد
محافظ تو به خواب نمی‌رود
نه، او نمی‌خوابد، خواب به چشم او راه ندارد
او که پاسبان اسرائیل است

خداوند نگهدار توست و بر سرت سایه می‌افکند
خداوند به دست راست توست
خورشید گاه روز به تو آسیب نخواهد رساند
و نه ماه، در شب

خدا تو را از همه بدی‌ها نگاه می‌دارد
او زندگی تو را حفظ می‌کند
خداوند به گاه رفتن و بازگشتن، تو را حفظ می‌کند
اکنون و تا جهان باقی است

ای خدایی که آسمان و زمین را آفریدی، به یاری کلیسای خود که در راه است بشتاب، نزد او باش و مگذار بیفتد، در
تمامی راهش به سوی تو نگاهبان او باش.

چشمان برافراشته، سوی تو

مزمور ۱۲۳

نگاهم را به سوی تو برمیفرزم
به سوی تو که در آسمان‌ها حکم می‌رانی

همچون نگاه برداری
به دست آقایش
همچون نگاه کنیزی که به دست خاتونش خیره شده
نگاه ما نیز سوی خداوند است
در انتظار رحمت او

بر ما رحم کن ای خداوند، بر ما رحم کن
از این همه حقارت سیر شده‌ایم
ما بسیار سیر شده‌ایم
از تمسخر بی‌نیازان
و تحقیر متکبران

ای پدر ما که در آسمانی، چشمان ما به سوی تو می‌نگرد، هر چیز را از دست تو انتظار می‌کشیم. اگر به خاطر مسیح حقیر شمرده می‌شویم، از یاد مبر که خادمان تو هستیم، بر ما رحم فرما.

سرودهای منتخب از عهد جدید

او گناه ما را برداشت

اول پطرس ۲: ۲۱-۲۴

برای ما بود که مسیح رنج کشید
برای ما نمونه‌ای بر جای گذارد
تا بر اثر گام او راه سپاریم

گناه را نشناخت
در دهانش دروغی یافت نشد
ناسزا شنید، بی‌آنکه ناسزا گوید
رنج کشید، بی‌آنکه تهدید کند
خویشتن را به آن داور عادل سپرده بود

این گناهان ما بود
که بر تن خود، روی صلیب بر خود گرفت
تا ما به گناه مرده
و برای عدالت زندگی کنیم

مزامیر منتخب جهت نیایش شامگاهی

من را در اطمینان ساکن می‌گردانی

مزمور ۴

ای خدا، ای عدالت گستر من!
وقتی تو را می‌خوانم من را جوابگو باش
تو که از تنگی‌ها من را رهایی می‌دهی
بر من لطف فرموده، دعای من را بشنو

ای فرزندان انسان
تا به کی جلال من را عار می‌دانید
باطل را دوست داشته، دروغ را می‌طلبید؟

بدانید که خداوند ایماندار خویش را جدا کرده
چون او را بخوانم، خدا خواهد شنید

بترسید و دیگر گناه مکنید
در دل‌های خود تفکر کرده، خاموش باشید

قربانی‌های عدالت بگذرانید
بر خداوند توکل نمایید

بسیاری می‌پرسند:
«کیست که خوشبختی را به ما آشکار کند؟
خداوند، باشد که نور چهره تو بر ما روشنایی بخشد.»

خداوند، تو در قلبم شادی آفریدی
بیش از زمانی که گندم و شراب تازه فراوان بود
در آرامش، آرمیده فوراً به خواب می‌روم
چون تو ای خداوند من را در اطمینان ساکن می‌گردانی

ای خدای وفادار، تو دعای مسیح را شنیدی و او را از تنگی رهانیدی. مگذار که دل‌های ما پریشان شوند، آنها را مطمئن ساز و در آنها شادی خود را قرار ده و ما در سکوت و آرامش، در انتظار سعادت دیدن روی تو خواهیم ماند.

تو با من هستی

مزمور ۲۳

خداوند شبان من است
محتاج به هیچ چیز نخواهم بود
در مرتع‌های سبز
من را آسایش می‌دهد
به کنار نهرهای آرام من را رهنمون می‌سازد
من را زندگی دوباره می‌بخشد

به افتخار نام خود
به راه راست هدایت می‌نماید
اگر از دره تاریکی نیز گذر کنم
از هیچ گزند هراسان نخواهم شد
زیرا تو در کنار من هستی
عصای تو راهنما و تسلی‌بخش من است

در برابر چشمان دشمنانم
برای من سفره‌ای مهیا می‌سازی
سر من را با روغن تدهین می‌کنی
و جام من لبریز می‌شود

همه روزهای زندگی‌ام
فیض و نیکبختی همراهم خواهد بود
و تمامی ایام
در خانه خداوند زندگی خواهم کرد

ای عیسی، شبان جاودانی، با تو کلیسایت محتاج به چیزی نیست. تو در آب تعمید، بار دیگر ما را زنده می‌سازی، روح قدوس خود را بر ما نازل کن، سفره قربانی تن خویش را برای ما مهیا ساز، تو ما را به آن سوی مرگ، تا خانه پدرت، آنجا که سرشار از فیض و خوشبختی است، می‌بری.

زیر سایه قادر مطلق

مزمور ۹۱

آنکه در پناه خدای متعال است
و در سایه قادر مطلق آرام می‌گیرد
به خداوند می‌گوید: «حافظ من، پناه من،
خدایی که اعتمادم بر اوست.»

اوست که تو را از دام صیاد
و از وبای شوم می‌رهاند
تو را با بال‌هایش می‌پوشاند
و زیر سایه‌اش پناه می‌جویی

تو، نه از خوف‌های شب
نه از تیری که در روز می‌پرد
نه از وبای خرامان در تاریکی
و نه از طاعونی که به وقت ظهر می‌زند، نخواهی ترسید

اگر در کنار تو هزاران تن
یا به دست راستت ده هزار نفر بیفتند
تو را آسیبی نخواهد رسید
وفاداری او زره و سپر توست

تنها چشمان خویش را بگشا
تا سرانجام شریران را ببینی
تویی که می‌گویی: «خداوند، پناه من»،
در سایه قادر مطلق مأوی گزیدی

نه بدبختی به سرت می‌آید
و نه بلایی به خیمه‌ات خواهد آمد
او فرشتگان خود را فرمان می‌دهد
تا در تمامی راه‌ها تو را پاسبانی کنند

تو را بر دست‌های خود خواهند برد
تا مبدا پایت به سنگی خورد
بر شیر واقعی پای خواهی گذاشت
و بچه شیر و اژدها را لگدکوب خواهی کرد
«حال که به من توکل می‌کند، آزادش می‌سازم
از او دفاع می‌کنم، زیرا نام من را می‌شناسد
من را می‌خواند و به او جواب می‌دهم

و در تنگی، با او هستم
«می‌خواهم او را آزاد و سرافراز نمایم
با عمر دراز او را سیر گردانم
و نجات خویش را به او نشان خواهم داد

ای خدای متعال، ای خدای توانا، تو که از خادم خود حمایت کردی، تو او را در همه راه‌های انسانی نگاه داشتی و در آزمایش با او بودی. در وحشت‌های شب، ما را چون او در اطمینان نگاه دار، به هنگام نبرد از ما دفاع کن تا به همراه او جلال یابیم.»

به درازای شب‌ها

مزمور ۱۳۴

بیایید خداوند را متبارک خوانید
شما که خادمین او هستید
شما که در خانه خداوند
شب‌ها را به عبادت می‌گذرانید!

دست‌های خود را به سوی قدس‌الاقداص برافرازید
و خداوند را متبارک بخوانید
باشد که خداوند از صیهون، تو را برکت دهد،
او که آسمان و زمین را آفرید!

ای خدای آسمان و زمین، دست‌هایمان را به سوی تو برمی‌افرازیم تا تو را متبارک خوانیم، زیرا تو در پسر محبوب خود مرا برکت داده‌ای. در شبی که به ما ارزانی می‌داری تا دعای ما با دعای او متحد شود، التماس داریم که باز هم ما را برکت دهی.

تقدیمی شب

خداوند! تو را می‌خوانم، به سوی من بشتاب
چون تو را بخوانم، فریاد من را بشنو
باشد که دعای من همچون بخور به حضور تو برسد
و دست‌هایم بسان تقدیمی شب

ای خداوند بر لب‌هایم نگاهبانی قرار ده
و دهانم را مراقب باش
مگذار قلبم به سوی بدی رود
یا با بدان همدست شوم

هرگز مزه لذت‌هایشان را نخواهم چشید
اگر مرد عادل تأدیب کند، بر من مهربانی کرده
چون روغنی گرانبهاست که بر سرم بریزد
برای آن بدی که بر من می‌کنند دعاگو خواهم بود

اینک داورانشان از صخره به زیر افتاده‌اند
آنهایی که از شنیدن این سخن لذت می‌بردند:
«همانند خاکی که می‌کنند و زیر و رو می‌کنند
استخوان‌های ما در دهان هاویه پراکنده می‌شود.»

خداوند! ای خدای من! به سوی تو می‌نگرم
تو پناهگاه من هستی، زندگی‌ام را نگاه دار
از دامی که برایم گسترده‌اند

و از کمندهایی که شیریران ساخته‌اند من را حفظ کن
شیریران در دام خود سرنگون خواهند شد
و تنها من، به تنهایی گذر خواهم کرد

ای خدای، چگونه نزد تو آییم اگر از راه عیسی که قوت قیامت ماست، نرویم؟ تنها او قربانی شب را به تو تقدیم نمود،
آری با دست‌های برافراشته بر روی صلیب و در کمال آزادی! دعای ما را در دعای او نگاه دار و قلب ما را در قلب او
و همانگونه که او را از هر بدی نگاه داشتی ما را هم از بدی دور نگاه دار.

سرودهای منتخب از عهد جدید

لوقا ۱: ۴۶-۵۵

جان من خداوند را می‌ستاید
پس تو ای روح من در خدا، نجات‌دهنده‌ام، به وجد آی!

او بر کنیز ناچیز خود نظر کرده است
از این پس تمام نسل‌ها من را خوشبخت خواهند خواند

آن قادر مطلق، کارهای شگفت برای من انجام داده است
مقدس است نام او!

محبت او نسل اندر نسل بر ترسندگان می‌باشد
قدرت بازوانش را گسترده
متکبران را پراکنده می‌سازد

زورمندان را از تخت‌هایشان به زیر می‌کشاند
و فروتنان را سرافراز می‌نماید
گرسنگان را از نعمت‌ها غنی می‌سازد
و ثروتمندان را تهیدست روانه می‌دارد

اسرائیل، خدمتگزار را سرافراز می‌کند
و محبت خویش را به یاد می‌آورد
و همچنین پیمانی را که با پدران ما
به حمایت از ابراهیم و ذریت او بسته بود

نوری که بر امت‌ها آشکار می‌گردد!

لوقا ۲: ۲۹-۳۱

حال ای قادر مطلق،
می‌توانی سخن خود
بنده خویش را به سلامت روانه سازی

زیرا چشمان من نجاتی را دیدند
که تو آن را در حضور قوم‌ها آماده می‌سازی
نوری که بر امت‌ها آشکار می‌گردد
و به اسرائیل، قوم تو، جلال می‌بخشد

همه چیز در او پایدار

کولسیان ۱: ۱۲-۲۰

خدای پدر را سپاس گویند
که ما را شایسته گردانید
تا در روشنایی
شریک میراث مقدسین گردیم
ما را از چنگال ظلمت بیرون کشید
و به ملکوت پسر محبوب خود وارد کرد
در او، فدیة یافتیم
یعنی بخشش گناهان را

او تصویر خدای نادیدنی است
نخست زاده تمامی آفرینش
در او همه چیز آفریده شد
هر آنچه در آسمان و بر روی زمین است
موجودات دیدنی و نادیدنی
قدرت‌ها و سلطنت‌ها
تخت‌ها و قوت‌ها
همه چیز به وسیله او و از برای او آفریده شد

او مقدم بر همه چیز است
و همه چیز در او پایدار است
همچنین او بدن یعنی کلیسا را سر است
او ابتداست
نخست زاده از میان مردگان
تا در همه چیز اولویت داشته باشد

زیرا رضای خدا در این است که در او کمال مطلق ساکن شود
و همه چیز به وسیله مسیح، آشتی پذیرد
چون به خون صلیب وی صلح و سلامتی را پدید آورد
صلح و سلامت برای تمام موجودات روی زمین و در آسمان‌ها

مزامیر منتخب جهت نیایش سپاسگزاری

تو من را شفا دادی

مزمور ۳۰

خداوندا، تو را ستایش می‌کنم، زیرا من را سرافراز می‌کنی
و به تمسخر دشمنانم و انمی‌گذاری
خداوندا، وقتی نزد تو فریاد برآوردم
تو من را شفا دادی، ای خدای من
خداوندا، جانم را از هاویه بیرون کشیدی
و آنگاه که به قبر فرو می‌رفتم، زندگی دوباره‌ام بخشیدی

برای خداوند سرود بسرایید، آنانی که به عهد او وفادارید
نام مقدسش را سپاس گوئید
خشم او لحظه‌ای است
اما نیکی او سراسر زندگی
شب هنگام، اشکها سرازیر می‌شوند
اما صبحگاهان فریاد شادی بر می‌خیزد

من در کامروایی خود گفتم:
«هرگز لغزش نخواهم خورد!»
به لطف تو، در اوج قدرت
استوار می‌شوم
تو روی خود را از من پوشاندی
و من پریشان شدم
به سوی تو فریاد می‌زدم، ای خداوند،
تمنای رحمت از خدایم می‌کردم

«از خون من تو را چه حاصل است؟
و چه سود، اگر به قبر فرو روم؟
آیا خاک می‌تواند شکر تو را گوید؟
می‌تواند ستایش تو گوید
و وفاداریت را هویدا کند؟
خدایا بشنو و بر من رحم فرما!
برای یاریم بشتاب!»

ماتم من را به پایکوبی بدل ساخته‌ای
و جامه عزایم را به لباس جشن
باشد که قلبم برای تو به ترنم درآید
و به خاموشی نگراید.
خداوندا، ای خدای من
پیوسته تو را شکر گزارم

تو را سپاس می‌گوئیم ای مالک مرگ و زندگی، زیرا تو پسر خود را در قبر ترک نکردی، بلکه اراده نمودی که بعد
از شب رنج، در سپیده روز عید گذر با فریاد شادمانی وجد نماید. زمانی که اشکها بر ما می‌رسند و تو روی خود را از
ما پنهان می‌سازی، بگذار نزد تو فریاد برآوریم و اعلام کنیم که وفاداری تو ما را برخواهد خیزاند.

اینک می‌آیم

مزمور ۴۰

با امیدی فراوان در انتظار خداوند بودم
او به سوی من مایل شد تا فریادم را بشنود
من را از گرداب هلاکت،
و از میان گل و لای بیرون کشید
پاهایم را بر صخره نهاد
و قدم‌هایم را استوار نمود

در دهانم سرودی تازه گذارد، ستایشی برای خدای ما
بسیاری چون این را بینند،
ترسان شده به خداوند ایمان خواهند آورد

خوشا به حال کسی که
به خداوند ایمان دارد
و به سوی متکبران
و دروغگویان نمی‌رود

خداوندا، ای خدای من،
چه کارهای عظیمی برای ما انجام داده‌ای
چه تدبیرها، چه چیزهای شگفت‌انگیز!
به راستی که هم‌تا نداری
می‌خواهم اعمال تو را بازگویم و اعلام نمایم
ولی شمار آنها بسیار زیاد است

تو قربانی و هدیه نخواستی
تو گوش من را باز کردی
تو محتاج قربانی سوختنی و قربانی گناهان ما نبودی
پس گفتم: «اینک می‌آیم.»

در طومار کتاب برای من نوشته شده،
اراده تو را باید به انجام رسانم

ای خدای من،
شریعت تو را دوست دارم
شریعت توست
که در اعماق قلبم به آن رغبت دارم

در جماعت بزرگ
عدالت را اعلام می‌کنم
بنگر، لب‌هایم خاموش نمی‌مانند
خداوندا، تو آگاهی

عدالت تو را در اعماق قلبم پنهان نکردم
نجات و وفاداری تو را بازگو نمودم
محبت و حقیقت تو را در جماعت بزرگ اعلام نمودم

تو ای خداوند، رحمت خود را از من دور مساز
باشد که محبت و حقیقت تو
همواره نگهدار من باشد!

زیرا تیره‌بختی‌ها من را در بر گرفته‌اند
آنگونه که قادر به شمردن آنها نیستم
گناهانم من را مبتلا نموده

و من خیره مانده‌ام
آنها بیشتر از موهای سرم شده
دیگر مأیوس گشته‌ام

خداوندا، رحمت فرما و من را نجات ده
ای خداوند به یاری من بشتاب!
آنانی که قصد جان من را دارند
شرمگین و رسوا شوند!

آنانی که در آرزوی بدبختی من هستند
شرمنده باز گردند
آنانی که به من می‌گویند: «چه خوب شد!»
مبهوت شده، در ننگ و پستی لگدمال شوند

من فقیر و بیچاره‌ام
اما خداوند به یاد من است
تو یاور و نجات‌دهنده من هستی
ای خدای من، درنگ مکن!

ای خدای فقیران و مسکینان، تو را سپاس می‌گوییم، زیرا قربانی دیگری به جز قربانی عیسی نخواستی، او که به میان
ما آمد تا اراده تو را به انجام رساند. تو او را از ورطه موت بیرون کشیدی و در دهانش آواز رستاخیز را گذاردی که در
جمع ایمانداران شنیده می‌شود. بگذار که همچون عیسی فرمان‌های تو را دوست بداریم، آن کاری که برای او انجام
دادی برای ما نیز انجام ده و ما محبت و حقیقت تو را اعلام خواهیم کرد.

تو پناه من هستی

مزمور ۶۱

ای خدا ناله‌هایم را بشنو
دعای من را پذیرا باش
از دور دست‌ها تو را می‌خوانم آنگاه که قلبم لبریز از اندوه است
من را صخره‌ای بس بلند رهنمون خواهی شد
زیرا تو پناه من بوده‌ای
و دژی در برابر دشمنم

می‌خواهم تا ابد در خیمه تو مأوی گیرم
و زیر سایه بال‌های تو پناهی بیابم
خدای من، این تویی که آرزوی من را برآورده می‌کنی
تو با سخاوت هستی، برای ترسندگان نامت

بر عمر پادشاه بیفزا
تا سال‌هایش، قرن‌ها شوند
تا در حضور خدا، همیشه سلطنت کند
رحمت و راستی را حامی او قرار ده
آنگاه پیوسته نام تو را ستایش خواهم کرد
و نذر خود را هر روزه ادا خواهم نمود

ای خدای من، آیا تویی که از من دور می شوی؟ یا من هستم که بیش از حد از تو دور می شوم؟ الان در اینجا همانند یک تبعیدی بسر می برم و تنها پناه من، تو هستی! بگذار که محبت و حقیقت مسیح من را به نزد تو هدایت نماید، آنگاه ناله ام به سرود، سپاس و ستایش نام تو مبدل خواهد شد.

محبت پدر به فرزندان

مزمور ۱۰۳

(الف)

ای جان من خداوند را متبارک بخوان
و نام قدوسش را از اعماق وجود
ای جان من، خداوند را متبارک بخوان
و نیکی هایش را از یاد مبر

زیرا او همه گناهانت را می آمرزد
از هر مرضی شفایت می دهد
جان تو را از هائیه می رهاند
تاجی از مهر و محبت بر سرت می نهد
ایام پیریات را لبریز از نیکی ها می کند
و جوانی تو را همچون عقاب تازه می گرداند

خداوند عدالت را بجا می آورد
و داد مظلومان را می ستاند
او اراده اش را بر موسی آشکار ساخت
و کارهای شگفت خود را بر فرزندان اسرائیل

(ب)

خداوند رحیم و مهربان است
دیر خشم و پر مهر
او همواره بر انسان حکم نمی کند
و کینه ابدی به دل نمی گیرد
هم سنگ گناهانمان
و موافق خطاهایمان ما را جزا نمی دهد

همچون برتری آسمان بر زمین
محبت او بر ترسندگان بسیار است
همچون شرق که از غروب دور است
او گناهان ما را از ما دور می کند
چون مهر پدر بر فرزندان،
خداوند نیز با ترسندگان مهربان است

او سرشت ما را می شناسد
و می داند که ما از خاک هستیم
انسان روزهایش چون علف است
مانند گل های صحرایی می شکفت
با یک وزش باد، نیست می شود

و مکانش، او را فراموش می کند

(ج)

اما رحمت خدا (بر ترسندگان) است
از ازل تا ابد پایدار است
و عدالت او برای فرزندان فرزندان
برای ترسندگان که عهد او را نگاه می دارند
و اراده اش را فرمان می برند
خداوند تختش را در آسمان قرار داده
و سلطنت او بر جهان گسترده است

ای فرشتگان خدا، او را بستانید
ای پیام آوران نیرومند خداوند
که به فرمان های او گردن نهید
ای همه لشکریان او، خدا را بستانید
و ای خادمان او که اراده اش را بجا می آورید
ای جمع مخلوقاتش
در سراسر ملکوت او خداوند را ستایش کنید
ای جان من، خداوند را متبارک بخوان!

ای خدای مهربان، پدر ما، تو که می خواهی فرزندان حیات داشته باشند، تو که عظمت و عمق محبت خود را در مسیح
بر ما آشکار ساختی، در او کلیسای خود را تازه ساز، توسط او آن را به پیمان خود وفادار نگاه دار، تا با او همواره تو
را متبارک بخواند.

محبت او جاودانی است

مزمور ۱۳۶

خداوند را سپاس گوئید، زیرا که نیکوست
و محبت او جاودانی
بر خدای خدایان سپاس گوئید
زیرا محبت او جاودانی است
رب الارباب را سپاس گوئید
زیرا محبت او جاودانی است

تنها او کارهای شگفت انگیز کرد
زیرا محبت او جاودانی است
آسمان را بر بنیان حکمت نهاد
زیرا محبت او جاودانی است
زمین را بر آب ها استوار گرداند
زیرا محبت او جاودانی است

او دو نیر بزرگ ساخت
زیرا محبت او جاودانی است
خورشید را که در روز سلطنت نماید
زیرا محبت او جاودانی است

ماه و ستارگان را برای حکمرانی در شب
زیرا محبت او جاودانی است

او نخست زادگان مصر را زد
زیرا محبت او جاودانی است
اسرائیل را از زمین آنها بیرون آورد
زیرا محبت او جاودانی است
با دست قوی و بازوان فراخ
زیرا محبت او جاودانی است

او دریای سرخ را به دو نیم کرد
زیرا محبت او جاودانی است
اسرائیل را از آن گذرانید
زیرا محبت او جاودانی است
فرعون و لشگریانش را در آن سرنگون ساخت
زیرا محبت او جاودانی است

او قوم خود را در بیابان رهبری نمود
زیرا محبت او جاودانی است
او که پادشاهان نامور را زد
زیرا محبت او جاودانی است
شهریاران زورمند را از میان برداشت
زیرا محبت او جاودانی است

سیحون پادشاه اموریان
زیرا محبت او جاودانی است
و عوج او جاودانی است
زمین‌هایشان را میراث داد
زیرا محبت او جاودانی است
به میراث خادم خود، اسرائیل
زیرا محبت او جاودانی است

خوارشدگان را به یاد می‌آورد
زیرا محبت او جاودانگی است
و ما را از دست ستمگر می‌رهاند
زیرا محبت او جاودانی است

به همه جانداران روزی می‌بخشد
زیرا محبت او جاودانی است
خدای آسمان‌ها را سپاس گویند
زیرا محبت او جاودانی است

ای خدای محبت جاودانی، نیکوست که توسط عیسیای مسیح خداوند ما که در او تمامی فیض به ما رسید، تو را سپاس
گوییم. توسط او و برای اوست که هر چیزی در آسمان‌ها و زمین آفریده شد، در او و به همراه اوست که از مرگ به
زندگی بازگشتیم. با این وجود، ضعف ما را به یاد آور، همچنان کلیسای خود را هدایت کن و نانی را که نیاز داریم تا

به دیدار تو آییم به ما ارزانی دار.

خداوند برایم هر کاری می‌کند!

مزمور ۱۳۸

خداوند، با همه وجود سپاست می‌گویم
زیرا سخنان دهانم را شنیده‌ای
در حضور فرشتگان تو را می‌سرایم
به سوی معبد مقدس تو به خاک می‌فتم

از برای محبت و حقیقت تو، نام تو را سپاس می‌گویم
زیرا تو نام و کلامت را برتر از هر چیز برمی‌فرازی
روزی که به فریادم رسیدی
به قلبم نیرو دادی
همه پادشاهان زمین تو را سپاس خواهند گفت
آنگاه که سخنان دهان تو را بشنوند
آنها راه‌های خداوند را خواهند سراپید:
«چه عظیم است جلال خداوند!»

خداوند از مکان بلندی خویش بر مسکین نظر می‌کند
و از دور متکبر را می‌شناسد
اگر در تنگی‌ها روم، تو به من زندگانی می‌بخشی
و بر خشم دشمنانم دست خود را می‌گشایی
دست راست تو من را پیروز می‌کند
خداوند برایم هر کاری می‌کند
خداوند، محبت تو جاودانی است
ساخته دست خود را ترک مکن

سپاس بر تو باد ای خدای حقیقت و محبت، در پسر تو عیسی، خداوند ما، همه چیز برای ما انجام دادی، در او نام تو و سخن تو برتر از هر چیز قرار می‌گیرد، با او فروتنان در پیروزی قطعی تو گام برمی‌دارند. در برابر کار دست‌های تو، قوم تو با فرشتگان می‌سرایند «جلال تو عظیم است ای خداوند.»

سرودهای منتخب از عهد جدید

او، ما را در مسیح برکت داده است

افسیان ۱: ۳-۱۰

متبارک باد خدا
و پدر خداوند ما عیسی مسیح!

او ما را در آسمان، در مسیح برکت داده
و از بخشش‌های روحانی ما را لبریز گردانیده است

پیش از آفرینش جهان
ما را در مسیح برگزید

تا از راه فیض و محبت او
در حضورش بی گناه شمرده شده، مقدس گردیم
چنین اراده کرد که ما
توسط عیسیای مسیح، فرزندخواندگان او شویم.

محبت وی چنین اراده کرد.پ
برای ستایش جلال فیضش، پ
ما را در پسر محبوب خود بهره مند ساخت

در او به واسطه خون او، فدیة یافتیم
و گناهانمان آمرزیده شد
به اندازه فراوانی فیضی
که او در تدبیر و حکمت کامل
به ما عطا فرموده بود

به اینگونه راز اراده اش را بر ما عیان کرد
عزمی نیک که در مسیح جزم کرده بود
تا زمان را به کمال خود رساند
و در همه چیز یعنی هر چه در آسمان و زمین است
در مسیح خلاصه شود

مزامیر منتخب جهت نیایش برای دور ماندن از تجربه

آیا من را فراموش خواهی کرد؟

مزمور ۱۳

خدایا، تا به کی فراموشم می کنی؟
تا به کی روی خود از من می پوشانی؟
تا به کی روح من پریشان؟
و قلب من هر روزه غمگین باشد؟
تا به کی دشمنم به من سرافراز باشد؟

ای خدای من، بنگر، دعای من را اجابت کن!
به چشمان من روشنائی ده
که به خواب مرگ نروم
مبادا دشمنم فریاد پیروزی سر دهد
مبادا از شکست من به وجد آید!

خداوند، من به رحمت تو ایمان دارم
باشد که قلبم از آموزش تو شاد شود
برای خداوند سرود خواهیم خواند، زیرا به من نیکی کرده است.

ای خداوند، خدای ما، به همراه خادم رنج دیده ات سوی تو فریاد برمی آوریم، بیش از این ما را فراموش مکن! اما با
شریک شدن در مرگ پسر تو اطمینان خود را به تو ابراز می داریم، به محبت تو اعتماد داریم! در نور تو با او رستخیز
نموده، می توانیم تو را سپاس گوئیم، تو خدای نجات دهنده هستی!

ای خدای من چرا من را ترک کرده‌ای؟

مزمور ۲۲ (الف)

خدای من، خدای من، چرا من را ترک کرده‌ای؟
هر چه فریاد برمی‌آورم به نجاتم نمی‌آیی
خدای من تمام روز صدایت می‌زنم، تو جواب نمی‌دهی
و حتی شب نیز، فقط سکوت نصیبم می‌شود

اما تو قدوس هستی
تویی که در سرودهای اسرائیل مأوی داری
پدران ما تنها بر تو امید بستند
بر تو اعتماد کردند و آنها را نجات دادی
وقتی نزد تو فریاد برمی‌آوردند، رهایی می‌یافتند
بر تو امید می‌بستند و هرگز شرمسار نگشتند

و اما من کرم هستم، نه انسان
ننگ آدمیان و مطرود قوم
هر که من را می‌بیند مسخره‌ام می‌کند
با تمسخر سرهایشان را تکان می‌دهند و می‌گویند:
«چون بر خداوند اعتماد می‌کند، بگذار هم او آزادش کند،
او را نجات دهد، زیرا دوستدار اوست.»

تو من را از رحم مادرم بیرون آوردی
تو من را به آغوشش سپردی
از لحظه تولدم به تو سپرده شدم
از رحم مادرم، خدای من تو هستی
از من دور مباش، زیرا اضطراب نزدیک است
و یاری‌دهنده‌ای نیست

(ب)

درندگان بسیار احاطه‌ام کرده‌اند
گاوان نر دور من را گرفته‌اند
شیران درنده غرش کنان
بر ضد من دهان باز می‌کنند

مثل آب روان جاری شده‌ام
و بند بند استخوان‌هایم از هم گسسته است
قلبم همچون احشایم گداخته می‌شود
قوتم مثل سفال خشک شده
و زبانم به کام چسبیده است

تو من را به خاک موت سپرده‌ای
آری، سگان دور من را می‌گیرند
جماعت شیران گرداگردم هستند

و دست و پایم را بسته‌اند
تمامی استخوان‌هایم را می‌توانم بشمارم
شریران بر من چشم دوخته، مراقبند
جامه‌هایم را در میان خود تقسیم کرده‌اند
و بر ردای من قرعه انداخته‌اند

اما تو ای خداوند از من دور مباش
ای قوت من به یاریم بشتاب
جان من را از چنگ سگان برهان
از دهان شیر و از شاخ‌های گاو
من را رهایی ده

(ج)

خدایا تو من را اجابت کرده‌ای
نام تو را به برادرانم اعلام خواهد کرد
و در میان جماعت تو را سپاس خواهم گفت:
«ای ترسندگان خداوند او را سپاس گویند
ای تمامی نسل یعقوب او را بستانید
ای تمامی فرزندان قوم برگزیده از او بترسید.»

زیرا او فقیر را در فلاکتش
رد نکرده و تحقیر ننموده
روی خود را از وی نپوشانید
بلکه ناله و زاری او را شنیده است

در میان جماعت بزرگ، ستایش و سپاس از آن توسست
در برابر ترسندگان تو نذرهایم را ادا خواهیم کرد
فقر را غذا خورده سیر خواهند شد
و طالبان خداوند، او را تسبیح خواهند خواند:
«باشد که قلبتان جاودانه زنده بماند!»

تمامی زمین این را به یاد خواهد آورد
و به سوی خداوند باز خواهد گشت
و تمام قبایل امت‌ها
پیش آمده در مقابلش به خاک خواهند افتاد

بلی، پادشاهی از آن خداوند است
و او بر تمامی امت‌ها تسلط دارد
همه قدرتمندان زمین
سر تسلیم فرود خواهد آورد
و آنان که محکوم به موت‌اند

در حضورش تعظیم خواهند کرد
و من برای او زندگی خواهم کرد
فرزندانم او را خدمت خواهند کرد

و نام خداوند را به آیندگان اعلام خواهند نمود

به قومی که بعد از آن به دنیا خواهند آمد
عدالت او را اخبار خواهند نمود:
«این است عمل دست‌های او!»

ای خدای ما، چرا ما را ترک کرده‌ای؟ تو که هیچگاه کسی را ترک نمی‌کنی! چرا جواب ما را نمی‌هی؟ تو که دعا را در قلب ما می‌گذاری، چرا اینقدر از ما دور می‌مانی؟ تو که اطمینان ما هستی، بگذار همانند مسیح بر صلیب از تو سؤال کنیم. همانگونه که او را نجات بخشیدی، ما را نیز نجات بخش. بر لبان ما سپاس او را قرار ده تا عمل نجات‌بخش تو را به تمام دنیا اعلام کنیم.

به دست‌های تو روح خود را می‌سپارم

**مزمور ۳۱
(الف)**

ای خداوند به تو پناه می‌برم
مگذار تا به ابد شرمنده شوم
در عدالت خویش من را نجات ده
به من گوش گیر، شتاب کن!

برایم صخره‌ای باش قدرتمند
خانه‌ای استوار که من را رهایی بخشد
صخره و قلعه من تو هستی
برای جلال نام خود، من را هدایت و رهبری می‌نمایی.

از دامی که برایم گسترده‌اند، من را می‌رهانی
آری، قوت من تو هستی
روح خود را به دست تو می‌سپارم
ای خداوند، تو من را فدیۀ داده‌ای

ای خدای حقیقی
از شیفتگان خدایان دروغین نفرت دارم
اعتماد من بر خداوند است
محبت تو، من را شادمانه به وجد می‌آورد!

تو حقارت من را دیده و آلام روحم را شناخته‌ای
من را اسیر دست دشمن نساخته‌ای
و پیش رویم، راهی فراخ گشوده‌ای

(ب)

ای خداوند، بر من رحمت فرما
زیرا در تنگی هستم
چشم من از غصه بی‌نور شده
و سینه و درونم کاهیده

زندگانی‌ام به اشک و روزگارم به ناله تباه شده
گناه، قوتم را از من گرفته
و استخوان‌هایم فرسوده شده است

من را تمسخر می‌کنند دشمنان و همسایگانم
و باعث خوف نزدیکانم شده‌ام
چون من را بر سر راهی بینند، از من می‌گریزند

مثل مرده‌ای از یاد رفته‌ام
مطروود و متروک شده‌ام
تهمت مردم را می‌شنوم
به هر سو هراس و وحشت است
بر ضد من جمع شده‌اند
و برای نابود کردنم توطئه می‌کنند

و اما اعتماد من بر توست، ای خداوند،
می‌گویم: «تو خدای من هستی
جان من در دست توست،
من را از دست دشمنان کینه‌جو برهان.»

نور رخسارت را بر بنده خود تابان ساز
من را با محبت خود نجات ده
ای خداوند، مگذار شرمنده شوم
حال که تو را می‌خوانم.

(ج)

ای خداوند، نیکویی تو چه عظیم است!
آن را برای ترسندگان خود نگه داشته‌ای
و همه آنهایی را که به تو پناه می‌آورند
در پیش روی جهان، از نیکی لبریز می‌نمایی

ایشان را در پنهان‌های رویت می‌پوشانی
و از فتنه‌های مردم دور می‌داری
تو آنان را زیر سقفی مطمئن
دور از نیش زبان‌ها جای می‌دهی

متبارک باد خداوند!
رحمت او برای من کارهای شگرف انجام داد
در شهری که محاصره شده بود

اما من در پریشانی خود می‌گفتم:
«از نظر تو دور مانده‌ام.»
با این همه آنگاه که
نزد تو فریاد برمی‌آوردم، دعای من را می‌شنیدی

ای مؤمنان خداوند، او را دوست بدارید
خداوند، ایشان را نگاه می‌دارد
اما متکبران را سخت مجازات می‌کند
قوی و دلیر باشید!
ای کسانی که بر خداوند امید دارید

ای خدا، تو که در تنگی انسان، پیش رویش راهی می‌گشایی و برای ایمانداران حقیر شده خود مکانی مطمئن فراهم می‌آوری، روزگار کلیسا را در دست‌های خود بگیر و به امیدواران خود شهادت عطا کن. اگر آنان با مسیح در رنج هستند، عطا کن که بتوانند همراه با او تو را برای تمامی شگفتی‌های محبت متبارک خوانند.

در اعماق آب‌ها

مزمور ۶۹
(الف)

ای خدای من، من را نجات ده
آب‌ها از سرم گذشته‌اند
به درون باتلاق افتاده‌ام
و دیگر توان ایستادنم نیست
به گرداب فرو می‌روم
و موج‌ها من را می‌بلعند

از زیادی فریاد، دیگر من را رمقی نمانده
گلویم می‌سوزد و در انتظار خدا
چشمانم تار شده است

آنانی که بی‌سبب از من بیزارند
از موهای سرم زیاده‌اند
تحقیرکنندگانم چه زورمندند
آنان که به ناحق بدخواه من هستند

آیا آنچه را ندزدیده‌ام
باید پس دهم؟
ای خدا، حماقت من را خوب می‌دانی
و گناهانم نزد تو پوشیده نیست

ای خداوند، خدای جهان،
مگذار امیدواران تو به سبب من خجل شوند
ای خدای اسرائیل
مگذار جویندگان تو به سبب من شرمند شوند

به خاطر توست که توهین را تاب می‌آورم
تا شرم روی من را بپوشاند
نزد برادرانم بیگانه
و نزد پسران مادرم، ناآشنا هستم
غیرت خانه تو من را می‌بلعد

تو را ناسزا می گویند و این بر من برمی گردد

اگر گریه کنم یا روزه گیرم
نصیبم دشنام و ناسزا است
چون پلاس بر تن کنم
با ایشان ضرب المثل می شوم
حکایت دروازه نشینان
و سرود میگساران شده ام

(ب)

من به درگاه تو دعا می کنم
ای خداوند،
ای خدا، در دریای محبت خود من را اجابت کن
و در راستی خود نجاتم ده

من را از لجن زار بیرون آور و گرنه غرق می شوم
باشد که از دست دشمنانم از مهلکه رهایی یابم
موج ها من را در نگیرند و گرداب من را نبلعد
و دهانه چاه بر من بسته نشود

خداوند، جوابم ده
محبت تو نیکوست
در مهربانی بی حد خود، من را بنگر
روی خود را از بندهات مگردان
بشتاب، جوابم ده، بغض گلویم را می فشرد
نزد من بمان و من را رستگار ساز
و فدیة من را به دشمن پرداز

تو از رسوایی من آگاهی
عار و ننگ من را تو می دانی
و تمامی دشمنانم
پیش روی تو هستند
قلبم از اهانت آزرده شده
بدی ایشان بی درمان است
به امید همدردی بودم، اما بیهوده بود
چشم انتظار تسلی دهنده ای، اما نیافتم

نان من را به زهر آلودند
و در تشنگی سرکه ام نوشانیدند

من حقیر و درمانده ام
باشد که نجات تو ای خدا، من را سرافراز سازد!
با سرود نام خدا را ستایش خواهم کرد
و با شکر گزاری او را جلال خواهم داد
این بیش از گوشت قربانی

و بهایم شاخ و سم دار
خدا را خوش می آید

فقرا این را دیده شادمان می شوند
«ای طالبان خدا، عمرتان دراز باد!»
زیرا خداوند فروتنان را اجابت می کند
و اسیرانش را فراموش نمی کند
باشد که آسمانها و زمین
دریاها و هر آنچه در آن است
او را ستایش کنند

زیرا خدا برای نجات صهیون خواهد آمد
و شهرهای یهودا را دوباره بنا خواهد کرد
آنجا را آباد ساخته، میراثی خواهد گذارد
میراثی برای نسل خدمتگذارانش
و منزلگاهی برای دوستداران نامش

ای عیسی که بی دلیل تو را استهزا کردند، رحم فرما بر آنانی که محبتشان با خیانت رو به رو شده، ای عیسی که به خاطر ما محبت ملکوت خویش را از یاد بردی، بر آنانی که به زندان میفتند رحم فرما. ای عیسی که با سرکه خواستند تشنگی تو را از بین ببرند، بر آنانی که به خاطر عدالت زحمت می بینند، رحم فرما. ای عیسی تحقیر شده از سوی مردمان و نجات یافته از سوی پدر جشن و سرور فقرا باش!

قلبم را پاک نما

مزمور ۸۶

خداوندا، به من گوش فرا دار و من را اجابت کن
زیرا مسکین و درمانده ام
جانم را حفظ کن، من دوستدار توأم
خادم خود را نجات ده

او که اعتمادش بر توست
تو خدای من هستی، بر من رحم کن ای خداوند
تمامی روز تو را می خوانم
خداوندا، بندهات را شاد نما
زیرا روح خود را به سوی تو برمیفرزم

تویی که بخشنده و نیکو هستی
سرشار از محبت، برای آنانی که تو را می خوانند
به دعایم گوش فرا ده ای خداوند
آواز تمنای من را بشنو

در روز تنگی تو را می خوانم
و تو ای خداوند، من را اجابت می کنی
در میانخدایان، خدایی چون تو نیست
و نه نظیر اعمال تو

همه ملت‌هایی که تو آفریده‌ای
به حضور تو آمده، سجده خواهند کرد
و نام تو را ای خداوند جلال خواهند داد
زیرا تو عظیم هستی و کارهای شگفت می‌کنی
تنها تو، ای خدا

راه خود را نشانم ده
تا به سوی حقیقت تو گام بردارم

با همه قلبم شکرت می‌کنم ای خداوند
پیوسته نام تو را جلال خواهم داد
محبت تو بر من عظیم است
جانم را از هاویه بیرون کشیدی

ای خدای من، متکبران بر من برخاسته‌اند
جماعت زورمندان قصد جانم کرده‌اند
در نظرشان جایی برای خدا نیست

تو ای خداوند، خدای محبت و رحمت
دیر غضب و سرشار از محبت و راستی
سوی من نظر کن، بر من رحم فرما
قدرت خود را به بنده‌ات ببخشای
و پسر خدمتگزار خود را نجات ده

نظر لطف بر من بینداز
باشد که دشمنانم سرافکنده شوند
چون خواهند دید که تو، ای خداوند
من را یاری می‌کنی و تسلی می‌بخشی!

ای خدایی که مهربان و بخشنده‌ای، تو به ندهای عیسی، خادم رنج‌دیده خود پاسخ دادی و او را زندان مردگان بیرون کشیدی. از کلیسای خود که خادم و فقیر است مراقبت فرما هنگامی که در ایام تنگی خود به تو توکل می‌نماید، نشانه‌ای از رحمت خود از آن آشکار ساز تا جهان عظمت محبت تو را ببیند و نام تو را برای کارهای شگفت‌انگیزت جلال دهد.

زیر سایه قادر مطلق

مزمور ۹۱

آنکه در پناه خدای متعال است
و در سایه قادر مطلق آرام می‌گیرد
به خداوند می‌گوید: «محافظ من، پناه من،
خدایی که اعتمادم بر اوست.»

اوست که تو را از دام صیاد
و از وبای شوم می‌رهاند
تو را با بال‌هایش می‌پوشاند

و زیر سایه‌اش پناه می‌جویی

تو، نه از خوف‌های شب
نه از تیری که در روز می‌پرد
نه از وبای خرامان در تاریکی
و نه از طاعونی که به وقت ظهر می‌زند، نخواهی ترسید

اگر در کنار تو هزار تن
یا به دست راستت ده هزار نفر بیفتند
تو را آسیبی نخواهد رسید
وفاداری او، زره و سپر توست

چشمان خویش را بگشا
تا سرانجام شریران را ببینی
تویی که می‌گویی: «خداوند، پناه من»
در سایه قادر مطلق مأوی گزیدی

نه بدبختی به سرت می‌آید
و نه بلایی به خیمه‌ات خواهد آمد
او فرشتگان خود را فرمان می‌دهد
تا در تمامی راه‌ها تو را پاسبانی کنند

تو را بر دست‌های خود خواهند برد
تا مبدا پایت به سنگی خورد
بر شیر و افعی پای خواهی گذاشت
و بچه شیر و اژدها را لگدکوب خواهی کرد

«حال که بر من توکل می‌کند، آزادش می‌سازم
از او دفاع می‌کنم، زیرا نام من را می‌شناسد
من را می‌خواند و به او جواب می‌دهم
و در تنگی، با او هستم

«می‌خواهم او را آزاد و سرافراز نمایم
با عمر دراز او را سیر نمایم
و نجات خویش را به او نشان خواهم داد.»

ای خدای متعال، ای خدای توانا، تو که از خادم خود حمایت کردی، تو او را در همه راه‌های انسانی نگاه داشتی و در
آزمایش با او بودی. در وحشت‌های شب، ما را چون او در اطمینان نگاه دار، به هنگام نبرد از ما دفاع کن تا به همراه
او جلال یابیم.

اگر خداوند بنا نکند!

مزمور ۱۲۷
اگر خداوند بنا نکند
بنایان زحمت بیهوده می‌کشند

اگر خداوند شهر را نگاه ندارد
پاسبانان بیهوده بیدار می‌مانند

بیهوده پیش از سپیده برمی‌خیزی
شب بیداری‌هایت بیهوده است
تو نان رنج می‌خوری
اما او محبوب به خواب رفته‌اش را مسرور می‌کند!

پسران میراث خداوند هستند
ثمره رحم، پاداشی از اوست
مانند تیری در دست جنگجو
چنین‌اند پسران روزگار جوانی

خوشا به حال مرد دلیر
که ترکش خود را از آنها پر کرده است
اگر در میدان با دشمنانش رو به رو شود
سرافکنده نخواهد شد

ای خدایی که به ایمانداران خود نعمت بیکران می‌بخشی، معمار کلیسای خود باش و نگاهبان وفاداری‌های ما. ما را
تعلیم ده آنگونه کار کنیم که گویی همه چیز به دست ما سپرده شده، به ما بیاموز که از خود گذشت کنیم، چون در
فیض تو در انتظار همه چیز هستیم.

سرودهای منتخب از عهد عتیق

آن زمان جلال خداوند آشکار خواهد شد

اشعیا ۴۰: ۱-۸

خدای شما می‌گوید: تسلی دهید، قوم من را تسلی دهید
بر قلب اورشلیم سخن گوئید
او را ندا دهید
که خدمتش به انجام رسیده
که جرم او کفاره شده که او از دست خداوند
برای همه گناهانش دو چندان باز یافته است

صدایی ندا می‌کند:
«در بیابان راه خداوند را آماده سازید
جاده‌ای در زمین‌های خشک
برای خدای ما هموار نمایید

«هر دره‌ای برافراشته شود
و هر کوه و تپه‌ای پست گردد
صخره‌ها مبدل به دشت
و بلندی‌ها هموار شوند

«آنگاه جلال خداوند آشکار خواهد شد

و همه جان‌ها، همزمان آن را خواهند دید
زیرا دهان خداوند است که چنین می‌گوید

صدایی گفت: «ندا کن!»
و من گفتم: «چه چیز را؟»
انسان همچون علف است
و زیبایی‌اش چون گل صحرایی

آنگاه که نفخه خدا بر آن بگذارد
علف خشک و گل پژمرده می‌شود
آری، مردم همچون گیاه هستند
علف خشک و گل پژمرده می‌شود
اما کلام خدای ما
تا ابد پایدار می‌ماند

چرا ما را فراموش کرده‌ای؟

مراثی ارمیا ۵: ۱-۷ و ۱۵-۲۱
خداوندا، آنچه بر ما گذشت را به یاد آور
بنگر و شرم ما را ببین

میراث ما از آن غریبان شده
و خانه‌های ما به بیگانگان رسیده است
یتیم و بی‌پدر شده‌ایم
و مادران ما بیوه گردیده‌اند

آبی را که از آن ماست، در ازای پول می‌نوشیم
و هیزم خود را می‌خریم
ستم‌دیده و مطیع شده‌ایم
جانمان به لب آمده و امان نداریم

از برای نان روزانه خویش
دستمان به سوی مصر و آشور دراز است
پدران ما گناه کردند و دیگر نیستند
اما این ما هستیم که بار گناهان ایشان را بر دوش می‌کشیم

شادی از قلبمان رخت بر بسته
و رقصمان ماتم گردیده است
آری، تاج از سرمان افتاده است
وای بر ما، زیرا گناه کرده‌ایم!

حال اگر قلبمان سوگوار است
اگر چشمانمان تار شده
برای این است که کوه صهیون تهی گشته
و شغالان در آن پرسه می‌زنند

اما تو ای خداوند، همیشه حکم می‌رانی
تخت تو تا به ابد پابرجاست
چرا دیر زمانی است که فراموشمان کرده‌ای
و برای بقیه عمر رهایمان نموده‌ای؟
ما را به سوی خود بازگردان و باز خواهیم گشت
روزهای پیشین را برای ما از سر گیر

مزامیر منتخب جهت نیایش برای شفای بیماری

خواهم دانست که تو من را دوست داری

مزمور ۴۱

خوشا به حال کسی که در اندیشه فقیر و ناتوان است
خداوند او را در روز تنگی نجات خواهد داد
و زنده و خوشبخت، روی زمین نگاه می‌دارد
از روی ترحم، او را تسلیم دشمنانش نخواهد کرد
خداوند او را در رنجش تسلی می‌دهد
و او را کاملاً از بستر بیماری برمی‌خیزاند

گفته بودم: «بر من ترحم فرما، ای خدا،
من را ببخش، زیرا به حضور تو گناه کرده‌ام!»
دشمنانم از من به بدی یاد می‌کنند
می‌گویند: «کی خواهد مرد تا نام او محو شود؟»
اگر کسی به دیدنم آید، یاوه می‌گوید
قلبش از افکار پلید پر است
و چون بیرون رود، بدگویی می‌کند

دشمنانم علیه من،
به گوش یکدیگر نجوا می‌کنند
آنان برای هلاک کردنم
به بدی مشورت می‌نمایند:
«بیماری خطرناکی او را از بین می‌برد
و حال که خوابیده است برنخواهد خاست.»
حتی آن صمیمی‌ترین دوست که به او اعتماد داشتم
و نان و نمک را می‌خورد، من را لگدمال می‌کند

اما تو ای خداوند بر من رحم کن
من را برخیزان تا سزایشان را بدهم
آنگاه خواهم دانست که به من محبت داشته‌ای
دشمنانم دیگر آواز پیروزی سر نخواهند داد
تو من را در پاکی استوار می‌سازی
و برای همیشه در حضور خود می‌پذیری

خداوند، خدای اسرائیل،
از ازل تا به ابد متبارک باد

آمین، آمین!

ای خداوند عیسی، تو که بیماران را شفا دادی و گناهکاران را بخشیدی، تو که گفتی «خوشا به حال رحم کنندگان، زیرا بر آنها رحم کرده خواهد شد»، به ما تعلیم ده تا به فقرا ببندیشیم و از آنانی که رنج می‌برند، چون تو مراقبت کنیم و تو نیز در روز داوری، بر ما ترحم فرموده ما را نجات ده.

در این شب است که فریاد می‌زنم

مزمور ۸۸

خداوند خدا، نجات من
شبانگاه که نزد تو فریاد می‌زنم
دعای من به درگاه تو برسد
به ناله من گوش فرا ده!

زیرا جانم پر از یأس شده
زندگانی‌ام بر لبه هاویه رسیده است
اینک پایی بر لب گور دارم
به پایان راه رسیده‌ام

جایم در میان مردگان است
مثل کشته‌ای در گور خوابیده
آنانی که تو دیگر به یاد نمی‌آوری
آنانی که مطرود و از تو دورند

من را در عمق قبر گذارده‌ای
در تاریکی‌ها، در اعماق نیستی
خشم تو من را می‌فشرد
امواج خود را بر من فرو ریخته‌ای

دوستانم را از من دور می‌کنی
من را در نظرشان منفور کرده‌ای
زندانی شده خلاصی ندارم
چشمانم از رنج بسیار تار شده است

خداوند، پیوسته تو را می‌خوانم
دست‌هایم به سوی توست
آیا برای مردگان اعجاز می‌کنی؟
آیا اشباحشان برای سپاس تو برمی‌خیزند؟

چه کسی در گور سخن از محبت تو می‌گوید
و در نیستی، از وفاداری تو؟
آیا معجزه‌های تو را در ظلمت می‌شناسند
و عدالت تو را در زمین فراموشی؟

اما من ای خداوند، به سوی تو فریاد برمی‌آورم

سحر گاهان، دعایم پیش روی تو می آید
خداوندا، چرا من را از خود می رانی؟
چرا روی خود را می پوشانی؟

بیچاره و از پا در آمده ام
به مصیبت های تن در داده ام و دیگر توانم نیست
خشم تو بر من گذشته است
و خوف تو نابودم ساخته است

تمامی روز مثل آب من را در برمی گیرد
بسان گرداب من را در خود فرو می کشد
دوستان و نزدیکانم را از من دور می کنی
و تنها همراه من، تاریکی است

ای خداوند، تنها نجات مسکینان در فریاد آنهایی که ترک می شوند، عیسی را بشنو که از تو درخواست می کند، در بدن هایی که مورد نفرت هستند، تن پسر خود را بر روی صلیب ببین، در ترس و وحشت آنهایی که در حال مرگ هستند احتضار محبوب خود را بنگر. آیا حاضر نیستی برای مردمی که جویای تو هستند همان کاری را انجام دادی؟

قوت تو، من را هدایت کند

مزمور ۱۴۳

خداوندا، دعایم را بشنو، به التماسم گوش فرا ده
تو عادل و با وفا هستی، من را جواب ده
بر خادم خود حکم مکن
هیچ زنده ای نزد تو از عیب بری نیست

دشمن در طلب نابودی من است
زندگی من را پایمال می کند
و همچون مردگان ابدی
من را در ظلمت می نشاند
نفسی برایم نمانده
و قلبم در درونم پریشان است

روزگار گذشته را به یاد می آورم
در تمامی اعمال تو تفکر نموده
در کارهای دست تو میندیشم
دست هایم را سوی تو برمیفرازم
اینک در مقابل تو، همچون زمین تشنه هستم

ای خداوند، برای اجابت من بشتاب
نفسی نمانده است
روی خود را از من مپوشان
مبادا مثل آنانی شوم
که به قبر فرو می روند

بگذار بامدادان محبت تو را بشنوم
زیرا که به تو توکل دارم
راهی که باید بروم به من نشان ده
چون روحم را به سوی تو برمیفرزم

ای خداوند من را از دشمنانم برهان
به تو پناه آورده‌ام.
من را بیاموز که اراده تو را بجا آورم
چون خدای من تو هستی
باشد که قوت تو
من را بر زمین هموار هدایت نماید!

ای خدایی که با وفا و دادگر هستی، دعای کلیسای خود را بپذیر، همانطور که به عیسی، خادم خود پاسخ دادی. وقتی
نفس در کلیسا ضعیف و ناتوان می‌شود عطا کن با نفس روح تو زنده شود. عطا کن در کار دست‌های تو بیندیشد و
آزاد و مطمئن به سوی صبح رستاخیز پیش رود.

سرودهای منتخب از عهد عتیق

زندگانند که تو را سپاس می‌گویند

اشعیا ۳۸: ۱۰-۲۰

می‌گفتم: در نیمه راه عمر
از جهان می‌روم
برای باقی سال‌هایم
بر در هاویه جای دارم

می‌گفتم: دیگر خداوند را
در زمین زندگان نخواهم دید
و دیگر بر چهره انسانی
در میان ساکنان جهان نخواهم نگریست

خانه من کنده شد
دریده همچون چادر چوپان
مثل بافنده‌ای کلاف زندگی‌ام را پیچیدم
پود من را بریده‌اند

از طلوع تا غروب، جان من را می‌گیری
تا صبح فرا رسد، نیست گردیده‌ام
همچون شیری، تمامی استخوان‌هایم را کوبیده
از طلوع تا غروب، جان من را می‌گیری

همچون چلچله می‌خوانم
و مثل کبوتر ناله سر می‌دهم
آنقدر و آسمان را نگریسته‌ام که چشمانم ضعیف شده‌اند
ای خداوند در تنگی هستم نگهبان من باش

چه بگویم تا جوابم دهد
حال آنکه اوست که این را می‌کند
سراسر زندگی‌ام را با تلخکامی خویش بسر خواهم برد

خداوند، با این وجود، چیزی که قلبم از تو می‌خواهد
زندگی روح من است
تو من را شفا خواهی داد و دوباره زنده خواهی کرد
تلخکامی من به آسایش بدل خواهد شد

تو به جان من پیوستی
تا از عمق نیستی من را دور کنی
همه گناهانم را
پشت سر خود به دور افکندی

زیرا زندان مردگان ثناگوی تو نیست
و هاویه ستایش تو را نمی‌گوید
و نه آنانی که به قبر فرو می‌روند
در انتظار وفای تو

زندگانند، زندگان که تو را سپاس می‌گویند
چنانکه من امروز می‌گویم
آری، پدر به فرزندان خویش
وفاداری تو را خواهد آموخت

ای خداوند بیا، من را نجات ده
و ما همه روزهای عمرمان
نغمه‌های خویش را
در حضور خانه خداوند خواهیم سرود

محبت می‌خواهم نه قربانی

هوشع ۶: ۱-۶

بیایید به سوی خداوند بازگردیم
او زخمی کرده و هم اوست که ما را شفا خواهد داد
او زده و هم اوست که ما را تیمار خواهد کرد

بعد از دو روز، ما را زندگی دوباره خواهد داد
روز سوم ما را برپا خواهد داشت
و آنگاه در حضور او زندگی خواهیم کرد

بکوشیم خداوند را بشناسیم
طلوع او همچون فجر یقین است
او همانند باران نزد ما خواهد آمد
چونان رگباری که زمین را سیراب می‌کند

ای افرایم با تو چه کنم؟
ای یهودا با تو چه کنم؟

محبت شما بسان مه صبحگاهی است
همچون شب‌نم سحرگاهی، زودگذر

«برای این بود که توسط انبیا آنها را کوییدم
با سخنان دهانم کشتار کردم
و داوری من همچون نور درخشید
محبت آن چیزی است که می‌خواهم نه قربانی
و شناخت خدا را بیش از قربانی‌های سوختنی»

مزامیر منتخب جهت نیایش توبه و طلب بخشش

خدایا، من را شفا ده

مزمور ۶

خداوندا، بدون غضب من را تأدیب نما
و با خشم، سرزنشم مکن
ای خداوند بر من رحم کن
زیرا که دیگر پژمرده‌ام!
خداوندا، شفایم ده، چون تمامی استخوان‌هایم لرزانند
و تمامی وجودم به غایت پریشان

ای خداوند، تا به کی؟
خدایا، به سویم بازگرد و رهایم ساز
به خاطر محبت خود، من را نجات ده
هیچ کس در هاویه نام تو را ندا نمی‌کند
کیست که در دنیای مردگان تو را سپاس گوید؟

از ناله‌های خود خسته و درمانده‌ام
هر شب در بستر می‌گیرم
و بالینم از اشکها تر شده است
از شدت غم و اندوه، چشمانم فرسوده شده
و در میان این همه دشمنی، نگاه من تیره گشته است

ای بدکاران، از من دور شوید
زیرا خداوند آواز تضرع من را می‌شنود
خداوند به فریاد من گوش می‌دهد
و دعای من را اجابت می‌کند
باشد که تمام دشمنانم، خجل و لرزان
به یکباره روگردانند و شرمنده بروند

ای خدای ما، تا به کی؟ چرا می‌گذاری ما از بین برویم؟ تو که از رحمت و محبت سخن می‌گویی، اشکهای پسر خود
را به یاد آور. بر شب مهیب کلیسای خود بنگر، دشمنانش را دور کن، آنگاه می‌توانیم بار دیگر بی‌ترس و لرز، محبت

و رحمت تو را بسراییم.

تو گناه من را از میان برداشتی

مزمور ۳۲

خوشا به حال کسی که خطایش بخشیده شد
و از گناهانش تبرئه گردید
خوشا به حال آنکه خداوند جرمی به حسابش نیاورد
و روحش عاری از مکر و فریب باشد

از ناله‌هایم در سراسر روز
جانم ضعیف می‌گشت و خاموش می‌شدم
دست تو، شب و روز
بر من سنگینی می‌کرد
جانم همچون بوته خشکی در فصل گرما
کاهیده شده بود

گناه من را نزد تو اعتراف کردم
و خطای خود را پنهان ننمودم
گفتم: «گناه من را نزد خداوند اقرار خواهم کرد»
و تو، من را از آلودگی گناه پاک نمودی

همچنین هر آن کس که در وقت اجابت
نزد تو دعا خواهد کرد
اگر آب‌ها نیز او را در بر گیرند
تو برای من پناهگاهی هستی و من را از تنگی حفظ می‌کنی
تو با نغمه‌های رهایی، من را در بر گرفته‌ای.

می‌خواهم تو را تعلیم دهم
و راهی را که باید در آن سلوک کنی
به تو بنمایانم
پندت دهم و از تو مراقبت کنم
همچون اسب یا قاطر مباش
آنها حکمت دهنه و افسار را نمی‌دانند
و چون برای رام کردنشان پیش روی، باز می‌دارند

شریر آلام بی‌شماری خواهد داشت
اما محبت خداوند
کسانی را که بر او توکل کنند، در بر خواهد گرفت
در خداوند شادمان باشید!
ای عادلان، به وجد آیید!
ای راست دلان، شادی بسیار نمایید!

ای پدر ما را محافظت نما، ما را پند ده، آنگاه که وسوسه به ما نزدیک می‌شود. تو که اجازه دادی خطاهای ما بر پسر
بی‌گناه تو سنگینی کند، تو که می‌خواهی گناهان ما را همواره برداری، راهی به سوی خود بر ما آشکار نما و گرداگرد

ما را از سرود آزادی پر ساز.

هیچگاه من را ترک مکن

مزمور ۳۸

(الف)

خداوندا، در خشم من را توبیخ مکن
و در حال غضب من را تأذیب مفرما
تیرهای تو در من فرو رفته‌اند
و دست تو بر من فرود آمده است
از خشم تو جان سالم به در نخواهم برد
از وقتی خطا کرده‌ام، استخوان‌هایم سالم نمانده‌اند

گناهانم من را در خود فرو برده‌اند
بار سنگینشان از پایم افکنده
زخم‌هایم پوسیده و متعفن شده‌اند
این است سزای حماقت من

ناتوان و رنجور و خمیده شده‌ام
و تمامی روز، در تاریکی خود را می‌کشانم
تب و درد به مغز استخوانم رسیده
و در جسم من عضو سالمی نمانده است

(ب)

خسته، کوفته و شکسته شده‌ام
و قلب من به فغان آمده است
ای خداوند، همه فریادم به درگاه توست
هیچ یک از ناله‌هایم از تو پوشیده نیست

قلبم می‌تپد
قوتم و حتی نور چشمانم از دست می‌رود
دوستان و همراهانم از اندوه من خود را کنار می‌کشند
و نزدیکانم من را از سرشان باز می‌کنند

آنها که قصد جانم را دارند، در پی من هستند
و مردمانی که بدبختی من را می‌جویند
ایشان سخنان فتنه‌انگیز می‌گویند
و تمام روز در دلشان حيله میندیشند

(ج)

اما من مانند کران هیچ نمی‌شنوم
و مثل گنگان، دهانم را باز نمی‌کنم
به کسی می‌مانم که هیچ نمی‌شنود
و جوابی در دهان ندارد

امید من به توست، ای خداوند،
جوابگو تویی ای خداوند، ای خدای من
گفتم: «مبادا پیروز شوند
اینانی که بر من پوزخند می‌زنند آنگاه که ضعیف هستم!»

نزدیک است که بیفتم!
اندوهم همواره مقابل دیدگانم است
همواره گناهم را اعتراف می‌کنم
و از خطای خود وحشت دارم

دشمنان من قوی و زورمندند
و آنها که بر من دشمنی می‌ورزند بسیار
به عوض خوبی، به من بدی روا می‌دارند
و وقتی در پی نیکی هستم، من را متهم می‌نمایند

خداوندا، هیچگاه من را ترک مکن
خدای من، از من دور مشو
به کمک من بشتاب
رهاننده من تویی، ای خداوند

ای خدایی که تمامی ندهای ما را درک می‌کنی، دور مباش، ما را جواب ده! تو مسیح را در نهایت درماندگی جسمانی‌اش
ترک نکردی تا به خاطر محبت استهزا شود. حال بگذار فرزندانت که از سنگینی خطاهایشان خمیده شده‌اند به کمک
و بخشش تو امیدوار باشند.

روح من را تازه ساز

مزمور ۵۱

در محبت خود ای خدای من، بر من رحم کن
با رحمت بی‌پایانت، گناه من را پاک ساز
خطاهایم را بشوی
و از گناه، ای خداوند، طاهرم کن

زیرا، من گناه خود را می‌شناسم
و خطایم همواره در برابر من است
به تو و تنها به تو گناه ورزیدم
آنچه در نظر تو بد بود همان را انجام دادم
تا بتوانی به سخن آمده عدالت خویش را نشان دهی
و داوری نموده، پیروزی خود را آشکار سازی
من پلید به دنیا آمده‌ام
از رحم مادر گناهکار بودم

اما تو، در ژرفای وجودم خواستار حقیقتی
و در نهان، حکمت را به من می‌آموزی
من را با زوفا پاک کن تا پاک شوم
من را بشوی تا از برف سفیدتر گردم

بگذار آواز جشن را بشنوم
تا استخوان‌هایی که تو می‌کوبیدی، پایکوبی کنند
از خطاهایم روی خود را برگردان
شرارت را در قلبم کن

ای خدا من، در من دلی پاک بیافرین
در درونم روحی تازه استوار ساز
من را از حضور خود دور مکن
روح قدوست را از من باز مگیر

شادی نجاتم را به من بازگردان
و بگذار روح بخشنده تو، حامی من باشد
راه تو را به گناهکاران خواهم آموخت
و گمگشتگان را سوی تو بازخواهم گرداند

از قصاص خون ریخته من را آزاد کن، ای خدا، خدای نجات من
و زبانه عدالت تو را اعلام خواهد کرد
ای خداوند لب‌هایم را بگشا
تا دهانم سپاس تو را بسراید

اگر قربانی تقدیم کنم، تو نمی‌پذیری
قربانی سوختنی را نیز رد می‌کنی
قربانی مقبول خدا
روح افسرده و قلب شکسته و خرد شده است
خداوندا، تو آن را می‌پذیری

به صیهون خوشبختی ده
دیوارهای اورشلیم را دیگر بار برافراز
آنگاه قربانی‌های راستین
تقدیمی‌ها و قربانی‌های سوختنی را خواهی پذیرفت
آنگاه گاوهای وحشی را بر قربانگاه تو تقدیم خواهند نمود

ای خدای مهربان و سرشار از رحمت، تنها با نگریستن بر صلیب، آنجا که پسر تو به خاطر ما خود را گناه ساخت، در
حقیقت این رحمت را درک می‌کنیم که تو فقط دوستدار بخشش هستی، تو تنها خواستار نجات هستی. روح شکسته
ما را ببین و قلب سرشار از پشیمانی ما را و نیز ما را از تمامی خطاهایمان پاک کن، در شادی روح‌القدس بار دیگر ما
را زنده ساز، آنگاه می‌توانیم عدالت تو را تحسین کنیم و محبت تو را به برادرانمان اعلام نماییم.

آنان می‌گذرند، تویی که می‌مانی!

**مزمور ۱۰۲
(الف)**

خداوندا، دعای من را بشنو
فریادم به نزد تو برسد
در روز تنگی‌ام
بر من نظر انداز

آنگاه که تو را می‌خوانم
بشتاب و پاسخم ده

روزهایم چون دود می‌روند
استخوان‌هایم همچون هیزم در آتش است
دل من بسان علف هرز کاهیده می‌شود
و نان خوردن خود را از یاد می‌برم
آنقدر شیون کرده‌ام
که پوست به استخوان‌هایم چسبیده است

به مرغ سقای بیابان می‌مانم
حکایت جغد ویرانه‌ها شده‌ام
شب را به بیداری می‌گذرانم
این منم، مثال پرندهای گوشه‌گیر بر روی بام
هر روز دشمنانم من را سرزنش می‌کنند
بر من غضبناک شده، من را نفرین می‌کنند

نانی که می‌خورم خاکستر است
و آبی که می‌نوشم به اشک آلوده
چون تو در بیزاری و خشم خود
من را برافراشته و به دور افکنده‌ای
روزهایم مثل سایه رو به زوال
و من همچون علف خشک می‌شوم

(ب)

اما تو ای خداوند که بر تخت نشسته‌ای تا به ابد
و نسل بعد از نسل تو را یاد خواهند کرد
برخیز و بر صیهون ترحم فرما
وقت آن است که او را پیام‌رزی
خدمتگزاران تو سنگهایش را عزیز می‌دارند
و بر ویرانه‌هایش دل می‌سوزانند

ملت‌ها از نام خداوند خواهند ترسید
و تمامی پادشاهان زمین از جلال او
آنگاه که خداوند صهیون را دگر بار بنا کند
آنگاه که او در جلالش پدیدار شود
خداوند به داد مظلومان خواهد رسید
و دعای آنان را خوار نخواهد شمرد

باشد که اینها برای نسل آینده نوشته شود
و قوم باز آفریده، خدای خود را بسرایید:
«خداوند از بلندی‌های قدس‌الاقداص خود خم شده
از آسمان بر زمین می‌نگرد
تا ناله اسیران را بشنود
و محکومین به مرگ را رهایی بخشد.»

نام خداوند را در صهیون برافرازند
و سپاسش را در سراسر اورشلیم
آنگاه اقوام امت‌ها به هم خواهند پیوست
تا خداوند را بپرستند

(ج)

قدرتم را در نیمه راه گرفت
از شمار روزهایم کاست
به او گفتم: «ای خدای من،
در نیمه عمر من را برمدار.»

سال‌های تو برابر تمامی قرن‌هاست
از قدیم اساس زمین را گذاردی
آسمان ساخته دست‌های توست
آنها نابود می‌شوند، اما تو می‌مانی
آنها همچون لباسی پوسیده می‌شوند
و تو چون تن پوشی آنها را عوض می‌کنی

اما تو همان هستی که بودی
سال‌های تو بی‌پایان است
فرزندان بندگان خواهند ماند
و نسل آنان در برابرت پایدار

ای خدا که از ازل تا به ابد هستی، اما آسمان و زمین همچون جامه کم کم از بین می‌روند. ای خدا تو ابتدا و انتها نداری، اما انسان همچون علف نابود می‌شود. تو ناله مسیح را که به او توهین شد و تنها و بی‌کس محکوم به مرگ گردید شنیدی. ساعت آن فرا رسیده که بر کلیسای خود ترحم فرمایی، پس بگذار که کلیسا با مدد به انسان‌های محروم، جلال تو را آشکار سازد و نیز قوم نوین اقوام زمین در آن جمع شوند تا تو را نسل بعد از نسل به یاد آورند.

نزد خداوند فدیة فراوان است

مزمور ۱۳۰

از اعماق هاویه، ای خداوند
نزد تو فریاد برمی‌آورم
ای خداوند، التماس من را بشنو
و به زاری من گوش فرا ده!

خداوند! اگر گناهانمان را در نظر آوری
کیست که برجا ماند؟
لیکن بخشش نزد توست
تا انسان از تو بترسد

با تمامی وجود به خداوند امید دارم
و در انتظار سخن اویم
جان من در انتظار خداوند است
بیش از منتظران صبحگاه

همچون شبگرد، چشم به راه سپیده دم
ای اسرائیل منتظر خداوند باش

زیرا رحمت نزد خداوند است
و فدیة نزد او فراوان
او قوم برگزیده را
از همه گناهانشان فدیة خواهد داد

ای خدای محبت و بخشش، با فرستادن کلمه خود به دنیا طلوع نجات را بر قوم خود نمایان ساختی، ما را در ورطه
خطاها رها مکن، فریاد کلیسای خود را بشنو و با بخشیدن نجات کامل به او انتظارش را برآور.

کسی نیست که به یاد من باشد

مزمور ۱۴۲

به آواز بلند سوی خداوند فریاد می‌زنم
به آواز بلند به خداوند التماس می‌کنم
نالهام را به حضور او سر می‌دهم
در حضورش اندوه خود را بیان می‌کنم

هنگامی که نفس بر من تنگ می‌شود
تویی که راه من را می‌دانی
در راهی که می‌روم
گرداگردم برایم دام گذارده‌اند

اطراف من را بنگر و ببین
کسی نیست که من را بشناسد
دیگر پناهی ندارم
کسی نیست که به یاد من باشد

نزد تو ای خداوند فریاد زدم
گفتم: «تو پناه من هستی
نصیب من در زمین زندگان»

به فریاد من گوش فرا ده
زیرا که دیگر توانی ندارم
من را از دست ستمگرانم رهایی ده
زیرا آنها از من قوی‌ترند

من را از زندانی که در آن هستم، رهایی ده
تا نام تو را سپاس گویم
برای نیکویی که به من خواهی کرد
عادلان گرداگرد من خواهند بود

ای خدایی که همه چیز را می‌دانی، فریاد انسان را بشنو، ناله اسیر و ناله ستم‌دیده را ناله آن کسی را که دیگر هیچ چیز
ندارد، نه دوست و نه پناهگاهی. در صدای او صدای عیسی را بشنو، او را آزاد ساز، همانگونه که عیسی را آزاد کردی،

اندوه او را به سپاسگزاری تبدیل کن.

اعیاد مختلف کلیسایی

۱- نیایش در زمان مژده‌ها قبل از عید میلاد سرود ۱:

ای که برتر از همه هستی، چگونه می‌توان تو را به نامی دیگر نامید؟
چه سرودی از بهر تو توان سرود؟ هیچ واژه‌ای قادر به وصف تو نیست!
تنها توصیف‌ناپذیر، هر آنچه به وصف آید از توسست
تنها ناشناخته، آنچه به اندیشه درمی‌آید از توسست!

موجوداتی که گویایند و آنانکه خاموش، تو را بزرگ می‌دارند
آنان که میندیشند و آنان که نمیندیشند به تو احترام می‌گذارند
ای خواهش تمامی عالم، ناله همگان به سوی تو پر می‌کشد
به نزد تو همه موجودات سرود خاموشی سر داده‌اند

آنچه پایدار مانده، در توسست که پایدار مانده است
جنبش عالم در تو بال و پر گشوده است
برای هر آنچه هست، تو پایان هستی
تو همه کس هستی و هیچ کس نیستی، تو یکتایی!

تو یک جز هستی و نه کل
تو همه نام‌ها را داری، تو را چه بنامیم؟
بر ما رحم کن ای آنکه برتر از همه هستی!
چگونه تو را به نامی دیگر خوانیم؟

استغاثه شفاعت

خداوندا بر ما ترحم فرما

ای خدای توانا، پادشاه عالم، تو که فرشتگان جلالت را بدون آنکه خسته شوند همواره می‌سرایند، تو را متبارک می‌خوانیم. تو آفریدگان ناتوان خود را خوار نشمرده‌ای، بلکه ما را فرا خوانده‌ای تا تو را بشناسیم، تا تو را محبت کرده و خدمت کنیم. تو پسر محبوب خود را فرستادی، تصویر کامل خود و پرتوی از شکوهت را. برای نجات ما، وی را در سرشت میرای ما به ظهور آوردی تا در همه چیز به ما شبیه گردد، مگر در گناه. در وی با نور انجیل خود ما را منور گردانیده‌ای، مژده ملکوت را به ما نوید داده‌ای. ای تو که انسان‌ها را دوست می‌داری، ما را در فیض مسیح خود نگاه دار تا روزی که در شکوهش باز خواهد آمد، خاطر جمع و آسوده باشیم. آرامش خود را به ما ارزانی فرما تا بتوانیم آن را با دیگران در محبتی متقابل تقسیم کنیم. باشد که روح‌القدس تو همه وجود ما را تقدیس کند و از آن هدیه‌ای جاودانی در سرایش فیض تو فراهم آورد، زیرا ای پدر پر شفقت، برکات از سوی تو نازل می‌شود و جلالی که لب‌ها به این سبب به تو می‌دهند به سوی تو بالا می‌آید، توسط عیسای مسیح، پسر یگانه تو در اتحاد با روح‌القدس.

سرود ۲

مژده نوین را برای ما به کمال رساندی
و چه شگفتی بی نظیری برای مخلوقین انجام دادی
از بشریت ما معبدی مقدس ساختی
که در آن تمامی جهان، جلال را به تو بازگرداند

ای زمین و آسمان بیاید و شگفت زده شوید!
برآورد شدن آرزویمان توسط خداوند را تحسین کنید
اینک انسانیت ما توسط او ارتقا یافت
و به شراکت با الوهیت ابدی او نائل گشت

در تمام قرون آسمان و زمین مدح او را سرایند
آن کسی که با مهربانی و محبت ما را در بر گرفت
ما را بر عمل دست‌هایش قدرت داد
و تصویر جلالش را در ما تازه کرد

مسیحا، خداوند ما، تو به ما همه چیز داده‌ای
نام تو در تمام اعمال شگفت است
روح تو در ما جلال پدر را می‌ستاید
امروز و همواره در قرن‌ها و قرن‌ها

استغاثه شفاعت

خداوندا، به زودی بیا!

ای حکمتی که از دهان باریتعالی برآمده‌ای، تو که بر همه چیز از این سوی جهان تا به آن سو سلطنت می‌کنی و همه آنها را با قدرت و ملامت مهیا و مرتب می‌گردانی، بیا تا راه حکمت را به ما بیاموزی. ای خداوند و رهبر بیت اسرائیل، تو که در آتش بوته شعله‌ور به موسی آشکار گردیدی و تورات را بر فراز کوه سینا به او دادی، برای بازخرید ما با دست قوی بیا. ای شاخه یسی تو که چون نشانی در میان اقوام برپا خاسته‌ای، تو که قدرتمندان در برابرت دهان‌های خود را می‌بندند که اقوام نجات خود را در تو می‌جویند، برای رهایی ما بیا و درنگ مکن. ای کلید داوود و چوگان بیت اسرائیل، تو که می‌گشایی و احدی یارای بستن ندارد، تو که می‌بندی و احدی یارای باز کردن ندارد، بیا و اسیران را از زندان رها ساز. ای ستاره بامدادی و درخشش نور و آفتاب عدالت، بیا و آنانی را که در تاریکی و سایه موت پنهان شده‌اند منور ساز. ای پادشاه ملت‌ها، تو که قادر به سیراب کردن آنان هستی، ای سنگ زاویه، تو که ملل متخاصم را متحد می‌داری، بیا و انسانی را که به روی زمین آفریده‌ای نجات ده. ای عمانوئیل، پادشاه و رهبر ما، امید ملل و منجی آنان، برای نجات ما شتاب کن.

سرود ۳

درو بر تو ای سرشار از فیض، خداوند با توسل
تو چون جامی بس پاک برگزیده شدی
همواره گرانها برای پذیرفتن خدا در خویش
تو در برابر بهر فیض نائل گردیدی

اینک به پسری زندگانی خواهی بخشید، وی را عیسی خواهی نامید
او قوم‌ها را نجات خواهد داد و پسر خدا نامیده خواهد شد
خداوند خدا تخت داوود را به او خواهد سپرد
و جاودانه بر خاندان یعقوب سلطنت خواهد کرد

روح القدس بر تو خواهد آمد و تو را در سایه خود خواهد گرفت
فرزندی که از تو زاده شود مقدس خواهد بود و وی را پسر خدا خواهند نامید
من کنیز خداوند، به من آن رسد که خواست وی است

درود ای محبوب خداوند که در کنار عرش جای داری
درود ای مادر خدا، مادر نجات دهنده
درود بر تو که خدا را پذیرفته‌ای و خدا در آسمان‌ها پذیرا گردیده است
درود ای باکره، درود ای مادر، ای طومار جاودانه، ای نور هستی!

استغاثه شفاعت

با میانجی‌گری مادر خدا، ای منجی ما را نجات ده!

ای مسیح، قوم تو را که استغاثه‌های خود را نثار می‌گرداند به تو نمایانده است. ای منجی نیکو و سراپا شفقت، رحمت
خویش را ارزانی فرما تا تو را که از بهر ما از گور قیام کرده‌ای بسراییم.

درود بر تو ای تختی که چون آتش درخشانی
درود بر تو ای عروس و باکره
درود باکره، تو به بشریت خدایی داده‌ای

درود ای درگاه خدایی که باکره برای آفریدگار فراهم آورده است
درود ای ابری که منجی را چون شبنم آسمانی در برداری
درود ای نردبان یعقوب و تخت و تاج خدا
درود ای کوه مقدس، پر بار و ناسفته

ای مسیح، ما مادرت را وکیل خود می‌دانیم
وی در روح القدس بر حسب تن به تو زندگانی داده است
حتی پس از تولد تو وی بکارت خود را ناسفته گذارده است

خداوند رحمت کسانی را که به درگاه تو این چنین نیایش می‌کنند
بخشایش ارزانی فرما «ما را در ملکوت خویش به یاد آور!»

درود ای معبد زنده، ای درگذرناپذیر
درود ای تختی که بدون سوخته شدن می‌سوزی
درود ای مادر عمانوئیل، مسیح خدای ما

ای باکره در زمان پیش‌بینی شده توسط خدا
تو باردار گردیده و خود منجی را به دنیا آوردی
آنان را که تو را تجلیل می‌کنند رستگار فرما

ای مادر تو بر حسب جسم به پسر و سخن خدا در رازی زندگانی داده‌ای
و نیز ما را که به وسیله تو در زندگی جاودان شرکت می‌کنیم
ما تو را این چنین می‌سراییم: درود بر تو، ای امید مسیحیان!

درود بر تو ای مأمن بی‌همتای خدا
درود ای امید نجاتی که پیمان نوین را به همراه داری

درود ای جام زرینی که از بهر همگان «من» از آسمان آورده‌ای

۲- عید میلاد مسیح

سرود ۱:

از شرق که آفتاب طلوع می‌کند

تا به سر حد غروب

مسیح پادشاهمان را مدح سراپیم

که از مریم باکره متولد شد

قادر مطلق، خالق عالم

جامه بردگی در بر گرفت

و اراده نمود که جسم را توسط جسم نجات دهد

مبادا مخلوقات او گمراه شوند

رحم باکره، ای طاهر

فیض آسمانی را پذیرفته

و رازی نهفته را باردار شده

که هرگز به فکرش خطور نکرده بود

با فروتنی کامل در آخوری حقیر به دنیا آمد

بر روی گاه خوابید

از شیر تغذیه گردید

او که کوچکترین پرندگان را دانه می‌دهد (آیین بیزانتین).

سرود ۲

امروز عذرا آن کسی را زایید که مافوق هر طبیعت است

و زمین برای پناه آن مافوق درک انسانی، غاری هدیه کرد

فرشتگان همراه با چوپانان، خداوند را می‌ستایند

و مجوسیان با راهنمایی ستاره‌ای، به راه می‌فتند

آن خدای ازلی و توانا که آسمان و زمین را آفرید

به صورت نوزادی ناتوان، امروز به دنیای ما چشم گشود (رومانوس خوش آهنگ).

سرود ۳

هللویا، هلولویا، هلولویا

دیوار جدایی فرو ریخت و خنجر آتشین عقب رفت

کروبیان از مقابل درخت زندگی کنار می‌روند

و من در نعمت‌های بهشتی سهم می‌شوم

که بی‌اطاعتی، من را از آن رانده بود

مسیحا ای خورشید روحانی عدالت، تو از باکره‌ای طلوع نمودی

تو که مافوق درک انسانی، ستاره‌ای بنمود که تو در غاری جای داری

با مجوسیان هم زبان شده تو را می‌ستاییم

ای خالق و بخشنده زندگی، فر و شکوه بر تو باد!

امروز آسمان و زمین در شادمانی باشند و

فرشتگان و آدمیان، خداوند جاودان را ستایش کنند
او که از زنی به دنیا آمد
و برای آنانی که در سایه مرگ جای گرفته‌اند در جسم آدمی ظاهر شد

باکره از آسمان‌ها وسیع‌تر است
چرا که از رحم او نوری بر ما تابیدن گرفت
چون دری مهر و موم شده، اما زاییده است
کلمه تن گرفته، اما نزد پدر مسکن دارد

امروز مریم باکره، خالق همه چیز را
به دنیا آورد
باغ عدن به او غاری تقدیم نمود
و ستاره‌ای مسیح را آشکار ساخت

ای اورشلیم شادمان باش و شما که او را دوست می‌دارید
در این جشن سهیم شوید
امروز بند اسارت از ما گسیخته گردید
درب بهشت به روی ما گشاده شد و مار لگدمال گردید
و آن زن که فریب خورده بود مادر خالق شده است

زهی عمق دولتمندی و حکمت و علم خدا
آنکه ارمغانش مرگ بود، نوبر نجات ما گشت
تمام آفرینش از شوق و شعف به رقص آیند
مسیح آمد که خلقت را بازخواند و جان ما را نجات بخشد

همانگونه که او می‌داند، همانگونه که او می‌خواهد
او که «هست» به خاطر ما آنچه نبود را پذیرا شد
او خدا ماند
او که در آن گل که از آن سرشته شده‌ایم با ما شریک شد (آیین بیزانتین).

استغاثه مدح و ثنا:

درود، ای عروس ازدواج ناکرده

درود بر او که نجات از وی درخشیده است، درود بر تو که لعن و نفرین در برابرت به هزیمت رفته است
درود ای آشتی آدم ساقط، درود ای تسلائی اشکهای حوا
درود ای ستیغ دست نیافتنی برای روح ما. درود ژرفنای دست نیافتنی حتی به دید فرشتگان
درود زیرا تو تخت پادشاهی، درود زیرا آن را با خود داری که همه را در خود دارد

درود ستاره بامدادی که خبر از خورشید می‌دهد، درود ای آغوش تن یافت خدایی
درود بر آن کس که آفرینش از او نوین گردیده است. درود بر آن کس که توسط او آفریدگار خود را طفلی ساخته
است.

درود چراغ روشن، کوه مقدس، قدس درخشان، حجله گاه زوال‌ناپذیر
درود باکره پاک و منزّه، درود ای عروس ازدواج ناکرده
درود ای سراپا فیض، خداوند با توسل، وی که سرچشمه همه عطوفت‌هاست. (آیین بیزانتین)

۳- عید ظهور مسیح

سرود ۱:

ای پسر خدا، کلیسا، این عروس تو امروز شادمان است
وی با همه فرزندان از سوی تو پاک و تقدیس شده است
وی تعمید تو را تجلیل می کند، هلولیاه
تو که به روز ظهور خویش وی را غرق در جلال گردانیدی

روز ظهور تو عظیم و تعمید تو شکوهمند است
خورشید نوینی است که بر گیتی می تابد
اعمال تو بهر مخلوقات شگفت آفرین است
متبارک باشی تو که با تعمید خویش ما را دوباره آفریده ای

ای همه قوم ها مسیح داماد را
که برای نجات ما سر فرود آورده است بسرایید و تجلیل کنید
ما را در آب و آتش روح القدس تعمید داده
و به کسانی که در سایه مرگ افتاده اند دوباره زندگی داده است.

ای کلیسای مقدس به وجد آی و شادی کن
مسیح، داماد خویش را بستای و تجلیل کن
با تعمیدش تو را از گناه رها کرده است
و برای تطهیر تو تن و خون خویش را به تو ارزانی داشته است

استغاثه شفاعت

خداوند! بر ما ترحم فرما

در صلح دوباره و بی وقفه به درگاه خداوند نیایش کنیم. برای صلحی که از خداست و نجات همه آدمیان به درگاه خداوند نیایش کنیم. برای صلح سراسر جهان، تجدید کلیساهای مقدس خدا و اتحاد همه آدمیان به درگاه خداوند نیایش کنیم. برای این خانه و آنان که با ایمان، فروتنی و علاقه به خدا در آن گرد هم می آیند به درگاه خدا نیایش کنیم. برای پدرمان، پاپ...، برای پاتریک خود... و اسقف خود... برای کشیشان و شماسان خود و برای همه کسانی که در کلیسا خدمت می کنند به درگاه خداوند نیایش کنیم. برای همه تعمید یافتگان که از آب به قدرت و حضور روح القدس از نو متولد شده اند به درگاه خداوند نیایش کنیم. برای آنکه عمل تطهیرکننده تثلیث حیات بخش بر ما فرود آید به درگاه خداوند نیایش کنیم.

برای آنکه خداوند خدا ما را از همه بلاها محفوظ دارد و از وسوسه خصم برهاند و ما را لایق وعده ها بداند، به درگاه خداوند نیایش کنیم. برای آنکه به نور معرفت و محبت با حضور روح القدس منور گردیم به درگاه خداوند نیایش کنیم. برای آنکه روح القدس برای همه آدمیان آب جهنده در زندگی ابدی گردد به درگاه خداوند نیایش کنیم. برای آنکه خدا تمامی وجود آنانی را که از او بهره دارند و با ایمان او را می چشند نوین گرداند به درگاه خداوند نیایش کنیم. برای آنکه همه آدمیان از تثلیث مقدس به وسیله آب تعمید سرشار گردند، به کمک ظهور نامرئی روح القدس به درگاه خداوند نیایش کنیم. برای آنکه خداوند خدا نیایش ما گناهکاران را اجابت گرداند و بر ما ترحم فرماید به درگاه خداوند نیایش کنیم.

ای خدا، با فیض خود به یاری ما بشتاب، ما را نجات داده، بر ما ترحم فرما و ما را حفظ فرما. با یادآوری از بانوی خود مریم که کاملاً مقدس است، وی که پاک و بی آلایش و برتر از هر کس خجسته است، وی که شکوهمند و مادر همیشه عذرای خداست، همچنین با به یاد آوردن همه قدیسان، به خود اعتماد کنیم، به یکدیگر اعتماد کنیم، در سراسر زندگی به مسیح خدایمان اعتماد داشته باشیم، زیرا تمامی جلال، افتخار و ستایش تو را زبید، پدر، پسر و روح القدس،

از هم اکنون و جاودانه از قرن به قرن، آمین. (آیین بیزانتین)

سرود ۲:

ای پسر خدا، کلیسا در برگیرنده تو در این روز به شادی است، کلیسا با همه فرزندان به وسیله تو تطهیر و تقدیس گردیده است. کلیسا تعمید تو را تجلیل می‌کند. هلولیاه، تو که به روز پدیدار شدن خود، آن را رخت شکوه در بر کردی.

پدیدار شدن تو چه سترگ و روز تعمید تو چه فرخنده است
ای خورشید نوین که بر پهنه جهان می‌درخشی
برای آفریده‌های عمل تو راز گونه است
متبارک باشی که با تعمیدت ما را تولدی نوین داده‌ای

ای همه قوم‌ها آواز بخوانید و جلال دهید
مسیح سرور ما را که برای نجات ما سر خم کرده است
او ما را در آب و در آتش روح‌القدس تعمید داده است
او کسانی را که در سایه مرگ ناله می‌کردند زندگانی بخشید

ای کلیسای مقدس به اهتزاز در آی و به وجد شو
مسیح سرور خویش را تجلیل و ستایش کن
با تعمیدش تو را از گناه برهانیده است
او تن و خون خود را برای تطهیرت، به تو ارزانی کرده است (آیین سریانی).

استغاثه شفاعت

خداوندا بر ما ترحم فرما

ای پدر، خدای ما تو نه قربانی خواسته‌ای و نه پیشکش، اما پسر محبوب خود را برای آشتی دادن همه به وسیله وی، ایجاد صلح از راه خون صلیبش، فرستاده‌ای. ای پسر منجی جهان که چون ما تن و خون یافته‌ای، در هر چیز به مانند برادرانت گردیده‌ای مگر گناه. روح‌القدس، خدای ما، وقتی بر سر مسیح فرود آمدی پری الوهیت جسما در وی ساکن گردید. از بدخواهی، از عدالت‌جویی به نفع خود، از ولرمی، از فرو بستگی قلب، از بی‌اعتنایی نسبت به تحقیر تو و برادرانمان، خداوندا ما را نجات بخش. ای مسیح تو که در تن یافت خویش با محبت به سرشت آدمی ما درآمده‌ای ما را پیاموز تا شادمانه دست‌های پدرمان را پذیرا باشیم. (آیین تره)

۴- ایام روزه

سرود ۱:

شکوه تو را باد، ای خدای ما، شکوه تو را باد
روز و شب شکوه تو را باد
در هر زمان و در هر لحظه
در رحمت خویش بر ما ترحم فرما

خداوندا، به رحمت خویش گوش فرا دار
و گناهان ما را ببخش
مگذار در وسوسه بیفتیم
ما را با صلیب حیات بخش خویش
وفادارانه محافظت فرما
نور صلیب تو شرارت را دور می‌کند

خداوندا، راستی لطف و وفای تو
بر ما قرار گیرد
زیرا رحمت تو خلل ناپذیر است
تو دستاورد خود را منفور نخواهی داشت

باشد که صلیب تو برای ما طریق زندگی باشد
ای مسیح که با مرگ خود ما را از مرگ می‌رهانی
خداوندا، ای مسیح، تو را شکوه، بر پدرت سپاس
و روح‌القدس را جلال باد، از ازل تا به ابد (آیین کلدانی).

استغاثه شفاعت

بر ما ترحم فرما

ای پدر که در ذات قدوسی، پرستندگان را شایسته تقدیس نام خویش دار. باشد که فرمانروایی تو در واقعیت رازگونه و آتی خویش همانگونه که ما در نورش غرقه گشته‌ایم، فرا رسد. باشد که خواست تو را بر زمین، بدون ترس بجا آوریم، همانگونه که در آسمان‌ها هیچ کس نخواهد توانست مانع ما شود. امروز نان روزانه ما را عطا فرما، زیرا سرشت‌های میرا همواره نیازمندند. پیش از آفریدن ما، تو ضعف ما را می‌دانی، از سر محبت ما را بیافزین، به رحمتی که داری گناهان ما را ببخش. هم مدیون محبت تو، یکدیگر را رنجه می‌دارند، باشد که هر کس دیگری را ببخشد و تو خداوندا همه را ببخش. مگذار به وسوسه نفس گرفتار شویم، زیرا دشمن آدمی بی‌رحم است و ما ضعیف هستیم. از سر رحمت و عطوفت، ای بخشنده مهربان، ما را از شریر رهایی ده، زیرا تنها تو قادر به سرکوبی ظلم هستی. ملکوت، قدرت و شکوهمندی از آن توست، عطا فرما تا در آنجا وارثان پسر محبوب تو باشیم و به همراه مقدسان، تو را تجلیل کرده و بستاییم. (آیین کلدانی)

سرود ۲:

خداوندا، در برابر تو زانو می‌زنیم
و هر صبح سجده کرده نیکویی تو را می‌ستاییم
ای که آفتاب خود را بر نیکان و بدان می‌تابانی
به رحمت عظیم خود ما را حفظ بفرما

خداوندا، زمانی که به ما سپرده‌ای
تا برای زیستن در اینجا بمانیم، کوتاه است
و ما هم آن را در بطالت سپری می‌کنیم
بدون بهره‌ای از عشق
و به نفع مرگ

اینک در برابرت ایستاده‌ایم، خدای نجات‌دهنده ما
از فرق سر تا به پا پوشیده از زخم و جراحت
زخم‌های تو ما را شفا دهند و خون تو ما را طاهر سازد
تو که در مهربانی خود، خویشتن را برای ما دادی

مسیحا که توسط روزه ما را شایسته پرستش خود می‌گردانی
انسان‌هایی را که به شکل خود آفریده‌ای احیا نما
با آنان سخن بگو
و در آنان فصیح خود را به انجام رسان
و همه ما را زنده گردان،

استغاثه شفاعت

خداوندا بر ما ترحم فرما

خدا همواره در کارهای ما، در سخنانمان و در رازهای قلبی مان، ما را حمایت می کند. خدایا بر ما ترحم فرما، زیرا در برابر تو گناه ورزیده ایم. خدایا، تو ای خداوند صلح و صفا ما را ببخشای. وقتی به حضور تو رسیدیم روی از ما مپوشان. خدایا کلمه تو تن یافته و برای ما مصلوب گردیده است، در گذشته به خاک سپرده شده و قیام کرده است. ای خدا ما را در پیوند با خود نگاه دار تا گناهمان ما را از دست های تو نرباید. خدایا مگذار که به مکر و حيله دیو درافتیم... قلب ما را چون شمشیری برنده علیه هر اندیشه گناه نگاه دار. خدایی که به دریا سخن گفتی و آرام گردید، شعله گناهان ما را فرو نشان. برای همیشه به ما قلبی پاک و ایمانی در محبت خود عطا فرما.

سرود ۳:

جلال بر تو باد ای مسیح، ای تو که تنها بی گناه هستی
به جای ما گناهکاران
خودت را به مرگ بر صلیب تسلیم نمودی
و ما را از چنگال بدی رهایی دادی
در مقابل آن همه نیکویی
چه تقدیم تو نماییم؟

جلال بر تو باد، ای یار آدمیان
جلال بر تو باد، ای رحیم
جلال بر تو باد، ای صبور
جلال بر تو باد، ای بخشنده گناهان

جلال بر تو باد
که به خاطر نجات ما آمدی
جلال بر تو باد که تازیانه خوردی
جلال بر تو باد که مورد استهزا قرار گرفتی
جلال بر تو باد که بر صلیب میخکوب گشتی

جلال بر تو باد
که به خاک سپرده شده و زنده برخاستی
جلال بر تو باد
که بر دست راست پدر نشسته ای
جلال بر تو باد
که اقدام به رهایی گناهکاران نمودی
در کمال شفقت و مهربانی خود

استغاثه شفاعت

خداوندا بر ما ترحم فرما

داوود چنین ندا برآورد: خدایا بر من رحمت آور، زیرا من آلوده به خون انسانم، با ژوفای نیکویی خود من را پاک کن و من را از گناهانم بشوی، ای عیسی منجی جهان. ای منجی جهان، صلح و عدالت از بهر ما عطا کن، زیرا تو نور حقیقی هستی، شکوه تو ما را منور می گرداند و پسران نور تو را می ستایند. تو که ساکن در نوری ما را شایسته آن

بدان که نظاره گر تو باشیم. به هنگام داوری اعمال آشکار و نهان آدمیان، ما را محکوم مگردان، بلکه به همراه عادلان و مقدسان شایسته فردوس خویش بدان. ما در دریایی از خطا غرقه‌ایم، دست خود را دراز کن و همانگونه که شمعون را از امواج بیرون کشیدی ما را نیز نجات ده. به هنگام آمدنت به یاری ما بشتاب. با محبت خویش جراحات ما را درمان کن. ما را شایستگی عطا فرما تا غزلی برای تو و همچنین برای پدر و روح‌القدس تو بسراییم ای تثلیث ستودنی. (آیین کلدانی)

سرود ۴:

ای نگهبانان شب، برخیزید
جلال را به آواز بلند بسرایید
زیرا شیر بچه زندانی شده
چه کسی می‌تواند در خواب غفلت بماند؟

پدر در محبت خود اراده نمود
پسرش را به جهان بفرستد
شریران او را بر صلیب آویختند
چه کسی می‌تواند در خواب غفلت بماند؟

او را به محاکمه کشاندند و محکوم کردند
به حبس انداخته، شلاق زدند
با ضربات ترکه
چه کسی می‌تواند در خواب غفلت بماند؟

بر چهره او آب دهان انداختند
غلامی بر گونه‌اش سیلی زد
و چون سخن گفت، او را محکوم کردند
چه کسی می‌تواند در خواب غفلت بماند؟

سگان درنده، به شیر توانا حمله کردند
تا او را بکشند
اما او مانند مقصری ساکت و آرام بود
چه کسی می‌تواند در خواب غفلت بماند؟

تاج خاری برای او بافتند،
آن را بر سر سرور شاهان گذاردند
او را وادار به تحمل اقسام دشنام‌ها نمودند
چه کسی می‌تواند در خواب غفلت بماند؟

استغاثه شفاعت

خداوندا بر ما ترحم فرما

جلال بر نیکویی تو، ای که مسیح، خورشید عدالت، پرتوی که از ساقه «یسی» درخشیده و همه را به توبه فرا خوانده را فرستادی، به درگاه تو استغاثه می‌کنیم. اعتراف کرده و طلب بخشایش می‌کنیم. باشد که هر کس آنچه در قلب دارد فراموش کند و آمرزش بطلبد. خدایا تو می‌دانی که گناه ما زیاد است، دست آمرزشگر خود را به سوی ما دراز کن و روی از نیایش ما برنتاب، زیرا ما با خون تو بازخرید شده‌ایم. همانند پسر گمشده که ثروت پدرش را بر باد داد، ما محبت تو را درست درک نکرده‌ایم، خداوندا به مهری که داری ما را ببخشای. باشد که آمرزش تو بر همه گسترده

گردد، ای مسیح، ما به تو که امین هستی استغاثه می‌کنیم. تو که بار گناهان ما را بر دوش کشیده‌ای، به روزی که فرزندان آدم از مرگ قیام کنند باشد که صلیب تو مدافع ما باشد و هنگامی که آمرزش تو روی نماید مهربانی تو را ببینیم. (آیین کلدانی)

۵- ایام صلیب مسیح

سرود ۱:

با تمجید از صلیب، آن درخت حیات
و چوب زندگی بخش
که بدن مصلوب کسی را بر خود حمل می‌کند
که آدمیان را به سوی پدر جلب
و ما را در عشق بی‌تزلزلش استوار می‌سازد

انسان ریشه کن شده و تو بر زمین فرو شدی
طبیعت برده است و درخت تو شکوفان
آفرینش ناله می‌کند و خداوندش در آن می‌دمد
این هماندم محبت است که از پدر ساطع می‌شود

فریاد خداوند حی پرده را پاره کرد
سنگها و دل‌های سخت را شکافت
صلیب انجیلی است که در آن کلمه خاموش است
و انسان تشنه عشق در آن
به سرچشمه آب حیات رسیده است

خداوندا تو خیمه‌ات را توسط صلیب
برای همیشه در میان ما برپا کردی
این است پیمان جاودان
با ابر ناپیدایت
بشر سرگردان را به سوی سرزمین موعود
در جستجوی صلح هدایت می‌کنی

سرود ۲:

در زمان موسی چشمه‌های تلخ
با چوب‌دستی شیرین گشتند
و امروز صلیب تو به ما انعطاف می‌بخشد
و قلب ما را چون موم نرم می‌کند

در زمان یوشع، نهر اردن
با چوب‌دستی، تا عمق شکافته شد
و قوم از آن عبور نموده، چون آهن برنده گردیدند
و امروز توسط صلیب و تعمید
گمشدگان به سوی تو آمده و آشتی می‌کنند

درود بر تو ای صلیب گرانمایه
که نابینایان را راهنما
آرمیدگان در مرگ را رستاخیز

و برخیزاننده ما به هنگام سقوطی
توسط توست که
انسان به قله رفیع الوهیت دست می‌یابد
با سیر و نظاره تو حمدت می‌گوییم
و در تو به رحمتی لایزال دست می‌یابیم

سرود ۳:

تو که در آغاز سماوات را
توسط کلام پر عظمت روح خالقت استوار گردانیدی
ما را نیز ای پروردگار و منجی
بر صخره تزلزل‌ناپذیر ایمان استوار گردان

ای خداوند رحیم و مهربان و میخکوب شده بر صلیب
به خاطر ما داوطلبانه درد و رنج کشیده
ضربه و دشنام را تحمل نمودی
اما ما را صلح و نجات بخشیدی
به همت و برکت تو ما همه
با پدر گرامی‌ات مصالحه کردیم

تو که بر روی صلیب رنج و درد را تحمل نمودی
و درب فردوس را بر سارق گشودی
قلب من را در عشقت استوار گردان
ای تنها یار آدمیان

تو که روز سوم از قبر برخاستی
و نور حیات را بر جهان تابانیدی
ای خداوند، مالک هستی
قلب من را در عشقت استوار گردان
ای تنها یار آدمیان

سرود ۴:

ای به تن کرده جامه‌ای از نور
من به پای تو ایستاده و پس
می‌زنم من تو را صدا از شور
کن تو روشن روان تیره من
ای مسیح رحیم و هم غفار

داده‌ای رخصت صلیب خودت
هم اجازت که تا شوی تحقیر
ای خداوند مهربان و بزرگ
پرشکوه و جلال و خوب و رحیم
بود ملیت که بنده آرای
بر لباس خدائیت، ای نور

ای مسیح، کرده‌ای من را تو رها
از اسارت به کسوت فانی
تا ملبس نمایم جاوید
آن زمانی که در تمام تنت
مزه مرگ بود و میخ و صلیب
سومین روز، روز رستاخیز

منجی ما مسیح، یار بشر
با دو دست گشوده روی صلیب
تا جهان را به بر کشی از مهر
دفن جسمت به خاک، خالی کرد
دوزخ و ژرفنای هاویه را
پر ز شادی نموده انسان را
سومین روز، روز رستاخیز

سرود ۵:

منجی آفرینش و هستی، ای مسیح
ای خدای لطف و جلال
ای که بخشیده‌ای به مرحمت
فیض تعمید بهر عفو گناه
ما به سویت به توبه و ایمان
رهسپاریم، ای خدای جهان

ای خدای محبت و رحمت
ای که بخشیده‌ای به انسان‌ها
نه چو موسی و صخره سختش
نه چو یعقوب و چاه پر آبش
و نه اردن که کرده‌ای تطهیر
روز تعمید خود، مسیح خدا
بلکه از پهلوی دریده تو
شد روان آب زندگانی ما

فشرده دل، فسرده روح
به اشتیاق و آرزو به سوی تو کنیم رو
مسیح، ای هادی ما به سوی ذات پاک حق
من را در او تولدی دوباره ده
و رخصتی که به رحمت
از گناه رها شوم
و سیر از آب زندگانی گردم

کنون گشوده قلب تو به روی ما
و دست‌های یاریت به سوی ما دراز
تا ما را به آغوش پدر آوری
از رحمت بی‌پایانت
شادی عظیم خود را

به ما فرو روندگان هاویه عطا فرما

سرود ۶:

ای خدای رحمت و نجات و بخشش
خدای شفا و تندرستی و نور حیات
و ای خدای رستاخیز و زندگی جاودان

به هنگام فرا رسیدن ملکوت، فراموشم مکن
ای پرهیبت، مقتدر و رفیع
ای نیکخواه و خالق موجودات
ای زنده و ستوده، ای کامل و متعال
ای هم آوا با آه و ناله تمامی آفریدگانت

من نیز همصدا با مصلوب کنار تو
تو را التماس می کنم
او به خاطر تو، بازداشت، دربند و مصلوب نشد
و به نام ارفع تو سیلی نخورده و بی حرمت نگشت
بلکه رسوا و تحقیر شده به مرگ تسلیم گردید

اما لایق ملکوت دادگران
و سهم در نور مراد گردید
زیرا درستی عهد و استواری پیمان تو بود
که او را به هدیه مسلم تو واقف نمود

ای نعیم و متبارک
من را نیز با همان ایمان بپذیر
ای نیکوکار، از ویرانی رهایی ام داده
و از معلولیت و بیماری نجاتم بخش
ای رحیم و ای رحمان

از آستانه مرگ به زندگی بازم آور
ای صاحب زندگی
زیرا من نیز به تو تعلق دارم
و از تو می خواهم همراه آن سارق به من جان بخشی
ای پناه بی پناهان

روح مرده ام را به نفس تازه زندگی، حیات بخش
ای حیات جاوید و ای برخاسته از مرگ
ای نیکی بی انتها و برکت مزید مداوم
ای بخشش جاوید و دست راست مقتدر
و ای دست فرمانروا و همیشه نزدیک

خداوندا، کافی است که اراده تو
بر نجات من قرار گیرد
و نگاهی رقت آور اندازی تا تبرئه شوم

و با سخنی از تو طاهر و بی‌عیب گردم

ستم‌هایم را فراموش کن، آنگاه دلیر خواهم شد
عفو و گذشت و اغماضت را بر من آشکار ساز
آنگاه به تو پیوند خواهم خورد
ای مکرم در هر قول و فعل
جلال و شکوهمندی تا ابدی روز کمال بر تو باد

سرود ۷:

بر من عنایت فرما
ای خداوند بخشنده مهربان
بر من عنایت فرما
در رحم و کرامت بی‌پایانت

پطرس در مقابل درب قصر قیافا
بر خویشتن فریاد کشید:
«وای بر من که بیگانه شدم، چون پسر را حاشا کردم
او من را صخره نامیده بود
اینک من خاک و شن گشتم
و بر روی شن، او کلیسای خود را بنا نمی‌کند
من باعث طرد گشتن خود شدم

او به من سعادت و میمنت داده بود
زمانی که پدر او به من می‌آموخت، تا به او بگویم:
«تویی مسیح، پسر خدای زنده
پس به چه کسی التماس کنم
که شفاعت من را نزد پدر کند؟
او دیگر من را چون فرزندش نمی‌پذیرد
من برای همیشه مقصرم.»
(سرودی از کلیسای آشوری کلدانی برای جمعه مقدس).

سرود ۸:

به خاک سپردن مسیح، خداوند ما
آخرین مرحله از خواری و ذلت او بود
حیرت، فرشتگان و انسان را در بر گرفت
مردگان که در قبر بودند
بیدار شده و از قبر برخاستند و سرودند:
«فر و جلال بر پسر که از آسمان فرود آمد
و برای ما به صلیب آویخته شد
و با ندای حیات بخشش فریاد زده
زمین و آسمان را به لرزه درآورد»

بیدار شو ای نخستین آدم
و بنگر آن یکتا پسر را
که همانند مجرمی به دست گناهکاران، شکنجه می‌بیند

بیدار شو ای ابراهیم
و بنگر آن پسری را که از پیش او را رؤیت نموده بودی
بنابر رازی که به تو الهام شده بود
امروز بر صلیب آویخته شده است

بیدار شو ای موسی، ای نخستین نبی
و بنگر خداوند انبیا را
که از دست پسران آنان رنج می برد
همچنان که از قبل بدان اشاره کرده بودند

بیدار شو ای اشعیای نبی
تو که لبریز از جلال خداوندی
بنگر و ببین مسیح پادشاه را
که برای مرگ به قربانگاه بردند
و او مانند بره، دهانش را نگشود

بیدار شوید و برخیزید
ای پدران آرمیده در امید رستاخیز
و ببینید بر فراز جلجتا
صاحب تمام خلقت را

بیدار شوید ای مردگان پیشین
از خواب عمیق مرگ برخیزید
و ببینید در دست ظالمان
آن را که افتادگان و خوارشدگان را پیروز می گرداند

بیدار شوید و برخیزید، ای مردگان
بنگرید و ببینید گناهکاران را
که صاحب زندگی و مرگ را به میان مردگان می کشند

بیدار شوید ای مردگان گناهکار
ببینید آن پسر را که نشناخت گناه را
او که با گناهکاران در احتضار است
برای انهدام مرگ و گناه

بیدار شوید ای مردگان
و ببینید چه شگفت‌انگیز
از صلیب و اعدام پسر یگانه، زمین شکافته
و او به زندان مردگان فرو رفته
تا قدرت مرگ را نابود سازد

ای فاتح و پیروز
از رحم و شفقت خود بر زمین آمدی
و با خواست خود به دست بندگان محکوم شدی
حال، مبرا و مطهر گردان

آن را که در بند گناه افتاده
تا از عفو و رحمت تو زندگی نوین یابد (سرودی از کلیسای آشوری کلدانی در شب شنبه مقدس).

۶- عید رستاخیز مسیح

سرود ۱:

تو که فرزندان آدم را از مرگ برمی خیزانی، تو مرگ را چشیده‌ای
با مرگت به مردگان زندگانی می‌بخشی و گناه را کشته‌ای
تو که دوزخ را ویران و آدم را از مرگ برخیزانده‌ای
ما را در بازگشت خودت شایسته بدار تا در قلمروت شادی نماییم

در این شب پسر پادشاه ما، مرگ را در جایگاهش کشته است
او برای دیدار کسانی که خفته‌اند آمده و در کنار آنها دراز کشیده است
عطرش در بین مردگان پراکنده می‌گردد
آنان دوباره زنده شده و وی را می‌ستایند

به وجد آی و شادی کن کلیسای مقدس
آواز شکوهمندی و قدردانی برای داماد بسرای
که تو را با صلیب خود نجات داده است
با رستاخیز وی سلطه مرگ ویران گردیده است
آدم و فرزندان او وارث ملکوتی نوین‌اند

ای مسیح خدای ما کلیسایت تو را می‌ستاید
تو که با مرگت او را به همسری خود درآورده‌ای
با خونت که ریخته شد، مهریه او را نوشتی
و محبت تو از قرنی به قرنی گسترده است (آیین سریانی).

استغاثه شفاعت

خداوندا بر ما ترحم فرما

ای خداوند رحیم، رستگاری و رحمت، عفو و تجدید عهد، درخشش و زندگانی، رستاخیز و بقا، به درگاه تو نیاز
آورده‌ایم. وقتی در ملکوت خود آمدی، تو که قوی، نیکوکار و آفریننده همه موجوداتی و گوش به ناله همه آفریده‌ها
ما را به یاد آور. ای نیکوکار، ای تو که متبارکی، ما را چون راهزنی که بر صلیب در کنارت بود پذیرا باش و ما را از
نیستی برهان، ای بخشنده بزرگ ما را از بیماری‌ها و ضعف‌هایی که داریم شفا بخش. ای جان‌بخش، ما را از سرازیری
مرگ به زندگانی باز آور. ما نیز از آن تو هستیم. ای کسی که پناه ما می‌باشی ما را به همراه آن راهزن زندگانی بخش.
ای رستاخیز، زندگانی و بقا، نیکی بی‌غش، فیض پایان‌ناپذیر، بخشایش مدام، قوی پنجه، دست بالای دست، انگشت
مدد رسان به ما که مرده‌ایم، دم زندگانی عطا فرما. خطاهای بی‌شمار ما را فراموش کن و خواهی دید که ما سرشار از
شهامت گردیده‌ایم. به ما آزادی عطا فرما و خواهی دید که با تو پیوند یافته‌ایم. ای کسی که در همه چیز و در همه
قرن‌ها شکوهمندی، نیایش‌های ما را برآور. (گرگوری نارک)

سرود ۲:

ای شبی که تابناکتر از روزی
ای شبی که درخشان‌تر از خورشیدی
ای شبی که درخشنده‌تر از برفی
ای شبی که شعله‌ورتر از مشعل‌های مایی

ای شبی که گواراتر از فردوسی
ای شبی که رها شده از ظلماتی
ای شبی که خواب را از چشمان می ربایی
ای شبی که پاس بیداری با فرشتگان است

ای شبی که برای اهریمنان وحشتناکی
ای شبی که همه آرزوهای سال بدان روی آور است
ای شبی که کلیسای نامزد را به سوی همسر او سوق می دهی
ای شبی که مادر کسانی هستی که نورانی اند!

ای شبی که در آن وقتی خفته بود
شیطان از هم پاشید
ای شبی که در آن وارث
وارثان دیگر را بر سر میراث آورد
(آستریوس اهل آماسه)

استغاثه شفاعت

خداوند! بر ما ترحم فرما

ای خداوند برخاسته از مرگ، تو که به صورت آدمی در آمده ای، تو که برای آن کس که رنج می کشد، رنج کشیده ای و برای آن کس که در بند بود، به بند کشیده شده ای، بر ما ترحم فرما. ای مسیح برخاسته از مرگ، تو که چون مجرم داوری گردیده بودی و برای آن کس که به خاک سپرده است، به خاک سپرده شدی، بر ما ترحم فرما. ای مسیح تو که از میان مرگان برخاسته و با صدای رسا چنین به گوش ها رساندی: «چه کسی علیه من مجادله کند؟ رو در روی من بایستد!» بر ما ترحم فرما. ای مسیح برخاسته از مرگ، تو که محکوم را رها کرده ای، تو که مرده را زنده کرده ای، تو که خاک سپرده را برخیزانده ای، بر ما ترحم فرما. ای مسیح برخاسته از مرگ تو که مرگ را در هم شکسته ای و بر دشمن پیروز گردیده ای و دوزخ را به زیر پایت لگدکوب کرده ای، بر ما ترحم فرما. ای مسیح برخاسته از مرگ تو که مرد زورمند را به بند کشیده و آدمی را در بلندی های آسمان ها مسرور داشته ای، بر ما ترحم فرما. (ملیتو اهل ساردیس)

سرود ۳:

گور قادر به دربند کشیدن آفریدگار زندگی نیست
سنگ قادر نیست بر خداوند جهان سنگینی کند
انسان هایی که به بند کشیده شده بودند، آزاد گشتند
آنان که از پای در آمده بودند به سوی پدر کشیده شدند

رویت را به ما بتابان تا قرن ها نور تو را بنگرند
و آن روزی را که از مرگ تو گریخت، طالع گردان
چقدر دوزخ سیری ناپذیر که حلقوم فراخ خود را گشوده است
و در حال بلع بی وقفه است، اسیر تو گردد

ای پادشاه مقدسان
وقتی آب های مقدس تعمید
به ارواح مطهر شادی می بخشد
آنگاه است که بر مردمان بی شمار
میوه پیروزی تو نور می دهد

قومی مقدس از آب و روح از نو متولد می گردد
از گناهان گذشته در نهری نوین شسته می شود
رخت نو از نور، برق می زند
سپیدی رمه، شبان را شادمان می کند. (سرودی از قرون اولیه)

استغاثه شفاعت

خداوند! بر ما ترحم فرما

ای خدای توانا از تو تمنا داریم، ای مسیح ما، دست‌های عظیم خود را بر روی کلیسای مقدس خود و بر قوم مقدس خود که همیشه از آن توست بگشا. از آن دفاع کن، از آن محافظت فرما، به نبرد برخیز و برای وی کارزار برپا کن، همه دشمنانت را در برابر قدرت خود به زانو درآور. اکنون پرچم خود را بالای سر ما بگیر و ما را یاری کن تا به همراه موسی آواز پیروزی را بخوانیم. ای مرگ پیروزی تو کجاست؟ ای مرگ نیش تو کجاست؟ مسیح رستخیز کرده و تو به خاک اندر شده‌ای. مسیح رستخیز یافته و شیاطین فرو غلتیده‌اند، مسیح رستخیز یافته و فرشتگان در آرامش هستند، مسیح رستخیز یافته و مردگان گورهای خود را ترک می‌کنند. آری مسیح نوبر خوابیدگان از میان مردگان برخاسته. شکوه و قدرت از قرن به قرن وی راست. (هیپولیتوس رومی)

۷- عید صعود مسیح

سرود ۱:

امروز منجی ما که به هیأت تن درآمده
بر تخت جاودانگی خود باز بالا رفته است
به پدر خویش بشریتی را که به رنج سپرده شده بود عرضه می‌دارد
در حالی که در آسمان‌ها،
بشریت را که بر زمین خوار گردیده بود جلال می‌بخشد

آن کس که به درون گور شده بود
رفت تا به شکوه رسد
با مرگش، مرگ را مقهور کرده بود
با قیامش، به زندگانی امید بخشید

امروز آن کس که با قدرت پدر آشکار گردیده بود
به سوی پدر بازگشت
کلمه تن گرفته شکوهمند
پس از آنکه در فروتنی بر زمین خدمت کرد
فرشتگان به ستایش وی پرداختند

شرایط بشری ما از این پس
در نور شکوهمند مسیح، خداوند ما، به الوهیت پیوسته است
هم‌ذات با پدر، بی‌دگرگونی باقی است
اما روح‌القدس خویش را برای جاودانه کردن ما می‌پراکند

استغاثه مدح و ثنا

در سراسر قرن‌ها شکوه تو راست

خداوند! پیروزمند بر مرگ، شکوه جاودانه را بدست آورده کار خود را به انجام رساندی. در حالی که کرورها کرور عادلان که تو آنها را از ظلمات بیرون کشیده بودی و در پیروزیات تو را دنبال می‌کردند در اطرافت بودند. از زمین

در ابری نورانی به معراج رفتی. درهای جاودانی باز شدند، فرشتگان به شادی اندر شدند، انسان و خدا بر تخت پدر جای گرفت. ای کاهن اعظم، میانجی و مدافع آدمیان، تو به طور دائمی همان پیشکشی را به پدر تقدیم می‌کنی که یک بار از روی محبت به خاطر همه بر روی صلیب عرضه داشتی. ای مسیح که با معراج تو، سرشت ما از همه قدرت‌ها و قدرتمندان برتر آمده است، برای ما مکانی جاودانی حاضر کرده‌ای. ای مسیح که با معراج خود اسیران را آزاد ساخته‌ای و موهبت‌های خود را پراکنده‌ای، تو به سوی پدر بالا رفته و به همین شیوه خود بازخواهی آمد. ای مسیح که به دست راست پدر نشسته‌ای و روح‌القدس خویش را به ما ارزانی داشته‌ای. به ما کهنات ملوکانه را بخشیده و از میانجی‌گری به سود همه آدمیان درنگ نخواهی کرد. (آیین تزه)

سرود ۲:

همه با هم خدایی را که بر کوه صهیون دیده شده است بسراییم
در آنجا تورات خود را به موسی داده است که بیننده خدای بود
و از کوه زیتون، در جسم خویش به آسمان بالا رفت
زیرا در فر و شکوه بود

تو ای جاودان سومین روز از مرگ برخاستی
و به یازده رسول و همه شاگردان پدیدار گشتی
سپس بر ابرها به سوی پدر بازگشتی
ای مسیح، آفریننده هستی

خداوندا جهان به زیر بار گناهانش فرسوده می‌گردد
تو آن را با رنج و رستاخیز خود نوین گرداندی
سپس بر ابرها، به سوی پدر بازگشتی
فر و شکوه بر صعود شکوهمند تو باد

ای مسیحی که زندگانی می‌بخشی
تو به سوی پدر بر ابرها بازگشتی
ای دوست آدمیان، با شفقت برون از وصف خود
سرشت ما را نوین گرداندی

فرشتگان هم‌سرا، هم‌زمان با تو، ای منجی
ناظر رفعت سرشت آدمی می‌باشند
آنان سراپا شگفت زده لحظه‌ای از سرایش تو بازماندند
فر و شکوه بر صعود شکوهمند تو باد

ای مسیح به جستجوی آدم گمگشته برآمده و وی را تقبل کردی
و سپس به سوی پدر بازگشتی
به دست راست وی بر تختش نشستی
در حالی که فرشتگان تو را می‌سرودند

ای پادشاه فرشتگان، در شکوه به بالا بر شدی
و برای ما روح پشتیبان را که از پدر برآمده فرستادی
با فرشتگان به وجد درآمده، دست‌افشانی و پایکوبی می‌کنیم
فر و شکوه بر معراج شکوهمند تو باد

عیسی که تنها زندگانی می‌بخشد
کسانی را که به آنان محبت داشت با خود همراه می‌برد و از کوهستان
زیتون بالا می‌رود
آنان را برکت داده و بر روی ابرها برای رسیدن به آغوش پدر
که هرگز وی را ترک نکرده است، می‌شتابد

سراسر جهان، دیدنی و نادیدنی، سراپا به وجد و شادی است
فرشتگان با آدمیان در اهترازند
ای مسیح بدون اندکی درنگ صعود تو را تجلیل می‌کنند
از سر عطوفت بود که در تن خویش با ما هم پیوند گشتی

تو قدرت مرگ را در هم شکستی، ای خداوند جاودان
و ای خدایی که دوست آدمیانی، ما را عطای بقا ارزانی داشتی
سپس جلوی چشم‌های پیروان خوشبخت خود
ای عیسای پرتوان به سوی شکوه خود بالا رفتی. (آیین بیزانتین)

۸- عید نزول روح القدس سرود ۱:

ما نور حقیقی را دیدیم
و روح آسمانی را دریافت نمودیم
ما ایمان واقعی را یافتیم
ما تثلیث را می‌پرستیم که ما را نجات داد

تو خداوند، راه نجات را
توسط موسی و پیامبران اعلام نموده بودی
ولی در حواریون، ای یاور ما
از این پس فیض روح قدوس تو می‌درخشد

با الهام از روح القدس و سرمست از حضور او
کلیسای تو شگفتی‌های خداوند را می‌پراکند
هر یک از ما به زبان خود تو را می‌پذیریم خداوند
همه را از آتش روح خود منور ساز

پادشاه آسمان، ای تسلی‌دهنده و ای روح راستی،
که در همه حضور داری و همه را پر می‌گردانی و ای گنجینه نیکی‌ها
آفریننده زندگی، بیا و در ما مسکن گزین
ما را طاهر ساز و نجات ده، ای تو که نیکویی

استغاثه مدح و ثنا

در سراسر قرن‌ها، شکوه تو راست!

خاتمه جشن گذر و فرا رسیدن روح القدس، تحقق وعده و روی نمودن امید را جشن گیریم. این راز چه سترگ و
چه مکررم است! به خاطر همین فریاد سر دهیم: «ای آفریدگار جهان، شکوه تو را باد!» به موهبت تکلم به زبان‌ها،
تو رسولان خود را غنا بخشیده‌ای، ای مسیح، تا در این زبان‌ها آنان «سخن» خدای جاودان را که در زندگانی ما
رحمت بیکرانیش را جاری می‌دارد اعلام دارند. روح القدس فراهم آورنده همه نیکی‌هاست، چون چشمه نبوت‌ها از آن

می‌جوشد، او تعلیم‌دهنده کاهنان است و در حکمت نادانان را خرد می‌آموزد! از گناهکاران، الهیدانان می‌سازد. ای پشیمان، شکوه تو را باد. روح‌القدس تشکیل‌دهنده کلیساست، آن را برپا داشته و به آن جان می‌بخشد. ای پشیمان، هم ذات پدر و پسر تو که با پدر و پسر سلطنت می‌کنی، شکوه تو را باد. ای روح‌القدس، تو پیش از این جهان، خدا بوده‌ای و همواره خواهی بود، تو خدای ما هستی، شکوه تو را باد!

سرود ۲:

مسیحا همانگونه که وعده کرده بودی روح پشیمان را فرستادی
ای یار آدمیان، جهان را نورانی کردی
تورات و انبی امروز به تحقق پیوسته‌اند
فیض روح‌القدس تو بر ایمانداران افشانده شده است

تو ما را یتیم باقی ننهادی
تو که به دست راست پدر، نشسته‌ای
به فزونی فیض روح‌القدس را بیفشان
آنان را که حریصانه آرزومندش می‌باشند، روشنایی بخش

ای سخن، ای یار آدمیان، تو از کوه بالا می‌روی
و همه چیز از آرزوهای قلب تو به تحقق پیوسته است
روح‌القدس در ما مشیت پدر تو را به انجام می‌رساند
شادی تو، در دم و آتش وی به ما داده شده است

ما به قدرت از اعلا آراسته شده‌ایم
در حالی که در قلب کلیسای تو به دعا و مراقبت پرداخته‌ایم
روح‌القدس تو به تعمید آب
شاهدان نامت، ستایش کنندگان پدر را حیات می‌بخشد. (آیین بیزانتین)

استغاثه شفاعت

خداوندا بر ما ترحم فرما

ای روح‌القدس بیا، از آسمان پرتو شکوه خود را بدرخشان. ای پدر درماندگان بیا، ای روح سخاوتمند بیا، ای نور قلب‌ها بیا. تو تسلی‌دهنده کامل، طراوت بی‌همتا، صلح در جان ما بنشان. در رنج، تو مایه راحتی هستی، در تجربه، قدرتی، در اندوه، تسلائی. ای نور نیکوکار، به خلوت قلب ما در آی، زیرا اعتماد ما به توست. بدون حضور تو در انسان هیچ چیز نیست، چیزی که پاک باشد. گناهان ما را بزدای، خشکی ما را به آبی زلال فرو بنشان، جراحت ما را درمان کن. دل سخت ما را نرم کن، ما را از ولرمی به گرمی در آر، ما را به راه راست هدایت کن. به کسانی که به تو اعتماد می‌کنند و در ایمان به تو می‌رسند، همه مواهب را به آنان عطا فرما. ما را آن ده که در تو به بزرگی رسیم، در نجات بکوشیم، به ما شادی پایدار عطا فرما. (آیین تزه)

سرود ۳:

خداوندا تو روح‌القدس خویش را به وفور برمی‌افشانی
و هر نفسی از معرفت تو سرشار است
از آغاز جاودان از پدر سرشته‌ای

مسیح، کاهن بزرگ ما را از عذرا داری
تا نسل فرو افتاده ما را از مرگ برهاند
روح‌القدس راستی را که آرزومند آن هستیم

در روح‌های ما که برای زندگی است، نوین گردان

ای روح‌القدس در پیوند با پدر و برانگیخته از وی
بیا در قلوب ما جای گیر و ما را از پلیدی‌ها پاک گردان
تو ای شاهد سخن و ای تسلی‌بخش ما
آرزوی ملت‌های به انتظار را برآورده گردان

زبان‌ها متفرق شده‌اند، ملت‌ها پراکنده گردیده‌اند
پرتو نور تو در همه راه یابد
تا ما را با یکدیگر به آتش یگانگی
و برای جلال پدر در یکرنگی دل‌هایمان آشتی دهد. (آیین بیزانتین)

استغاثه شفاعت

خداوندا بر ما ترحم فرما

خدای همه تن‌ها و سرور همه ارواح، بخشاینده متبارک همه برکت‌ها، خداوندا و ای منجی نام تو بر زبان ماست. اسقف
ما را تقدیس فرما، وی را از هر وسوسه‌ای در امان دار، به وی حکمت و معرفت عطا فرما، وی را به راه فقرت رهنمون
باش. برای کشیشانی که او را همراهی می‌کنند به درگاه تو نیایش می‌کنیم، آنها را تقدیس فرما و به آنان حکمت
معرفت و عقیدتی محکم عطا فرما تا راستی تو را با دقت عاری از خطا به ما عنایت کنند. همچنین به خاطر شماسان
به تو نیایش می‌کنیم، باشد که آنان خدمات خود را با وجدانی راست به انجام رسانند و از تن مقدس و خون مقدس
گرانبه‌ای تو مراقبت نمایند. ما بخاطر همه کسانی که تو در نزهت قلوبشان، به خود اختصاص داده‌ای نیایش می‌کنیم.
از زندگانی آنان کانونی از نیایش، صلح و محبت برای بشریت فراهم آور. برای همه کسانی که در محبت زناشویی
بسر می‌برند و برای خانواده‌هایشان دعا می‌کنیم، آنان را این موهبت ارزانی فرما که هر روز در نیروی راز مقدس خود
تازه شده و شاهدان رستاخیز تو باشند. سرانجام به درگاه تو نیایش می‌کنیم برای کسانی که تو را محبتی پایان‌ناپذیر
و حیات‌بخش هستی نمی‌شناسند، اما در خلوص نیت خود تو را می‌جویند. (نظامنامه رسولی)

سرود ۴:

ای روح‌القدس بیا
و پرتوی از نورت را بر مؤمنین بتابان
تو ای پدر مساکین، بخشنده مواهب
تو ای نور قلوب ما، بیا

تو ای تسلائی عالی، میهمان شیرین جان
تسکین شیرین روان
در زحمت آسایشی، در گزما اعتدالی،
در گریه تسلائی.

ای نور متبارک
ژرفای دل ما را آکنده از خود گردان
بی‌مدد و قدرت تو
ما را دگر هیچ نیست، جز گناه و گمراهی

پلیدی را پاک گردان، خشکی را سیراب نما
زخم‌ها را التیام بخش، سختی را نرم نما
سردی را گرما ده، کجی را راست گردان

مؤمنین را ببخش، زیرا که بر تو امید دارند
عطایای هفتگانه فضیلت را اجر ببخش
نجات را ارزانی دار
شادی ابدی را عطا کن

سرود ۵:

بیا ای روح خالق
در قلب مؤمنین بیا
توسط عطایای خود در قلبی که آفریده‌ای فعال بمان

ای تسلی دهنده، ای روح مشورت
ای عطیه والای الهی، ای سرچشمه حیات
ای آتش سوزان محبت، ای تدهین جان
ای روح موعود که چون کلام بر لب انسانی

به ادراک ما نور خود را بیفکن
و بر قلب ما محبت خود را بیفشان،
به جان ما نیرو بخش
ای که توان رنجبرانی

دشمن بشر را از ما دور ساز
و آرامش خود را بی‌درنگ عطا کن
بگذار که توسط راهنمایی تو
نه تنها از بدی آزاد شویم، بلکه از پیرامون آن نیز دوری جویم

عطا کن تا پدر بشناسیم
و پسر را نیز بر ما آشکار گردان
بگذار که همواره ایمانمان بر تو استوار ماند
ای روح الهی

جلال بر پدر که در آسمان‌هاست
جلال بر پسر که رستاخیز کرد
جلال بر روح‌القدس راهبر
تا ابدالابد، آمین.

(جهت نیایش بیشتر در باب طلب نزول روح‌القدس به کتابچه «در طلب نزول روح‌القدس» از انتشارات کانون یوحنا،
مراجعه نمایید).

۹- عید تجلی مسیح

سرود ۱:

در مسیح خدا را بازمی‌شناسیم
زیرا وی در نوری دست نیافتنی می‌درخشد
همچنین با خرمی وی را می‌سرائیم
خداوندا غرق در شکوهی

ما شاگردان خداوند منور گردیده‌ایم
زیرا وی غرقه در نور به نزد ماست
با خرمی وی را می‌سرائیم
خداوندا غرق در شکوهی

مسیح همانگونه که وعده کرده بود
پرتوی از درخشش الهی خود را در ما بدرخشانید
لبریز از این آذرخش، به خرمی بسرائیم
خداوندا غرق در شکوهی

رها از بند مرگ، بر ابرها رهسپاریم
راست به جلو رویم، رو به نادیده آوریم
و در حالی که مسیح ما را در بر گرفته است، وی را با خرمی بسرائیم
خداوندا غرق در شکوهی. (آیین بیزانتین)

استغاثه شفاعت

خداوندا بر ما ترحم فرما

خداوندا، من گوسفند تو هستم، اما شرارت زمانی چند من را به اسیری گرفت، زیرا من مرتکب ظلم می‌گردیدم.
خداوندا از بهر جستجو به بیرون خرام، به جستجوی آن کس برای که از آن توست و تمام غنای تو را به بیهودگی بر
باد داده است. تو برای گناهکاران، صلیب را متحمل گردیده‌ای، من یکی از آن گناهکارانم، من را خوار بدان. من از
آن تو هستم و شرارت بر من چیره گردیده است، وی را تهدید کن، فریاد برآور و آنچه را از آن توست از چنگ وی
بیرون کش. تو که به آدمیان محبت داری بر من ترحم فرما، زیرا دور از تو امیدی نیست. شکوه رحمت تو را باد، تو
که دوستدار آدمیانی و در برابر گناهکاران آتش خشم تو دیرافروز است. از سوی آنان که گمشده بودند، اما تو آنان
را بازیافته و به شادی خود درآورده‌ای، فیض تو را سزاست. (آیین مارونی)

سرود ۲:

تو که جهان را از نور جهانیدی
آدمی را از نور خاص خویش بیافریدی
تصویرت تو را در تاریکی‌ها می‌جوید
راه‌های ما را در روشنایی چهره‌ات رهنما باش

تو که با نور لجه‌ها را میرانی
همه آدمیان را نورانی کرده و به این جهان می‌آیی
تفرقه شک و مرگ را شفا ده
راه‌های ما در روشنایی چهره‌ات رهنما باش

نوری که غروب ندارد، تو کینه را مقهور کرده‌ای
تاریکی‌ها زدوده می‌شوند، اما تو هستی و می‌آیی
مشارکت خود را میان همه آدمیان پیراکن
راه‌های ما را در روشنایی چهره‌ات رهنما باش

مدت زمانی است که درخشش آن بره بی‌آلایش
در اورشلیم که تو نور آنجایی پدید آمده است
خداوندا چرا درنگ می‌کنی؟ «آری، من به زودی می‌آیم.» (آیین بیزانتین)

خداوندا بر ما ترحم فرما

برای کسانی که در فشار ناتوانی‌های بشری، سرگردانی روحی و یا خطاهای جهان گرفتارند، رحمت آن فدیة شده را بطلبیم. برای کسانی که در سفرهای خود با خطر رو به رو هستند و یا در وسوسه‌اند، به درگاه عیسیای منجی نیایش کنیم. ای خداوند حقیقت، برای قوم یهود که هنوز در انتظار توست و برای همه کسانی که تو را نفی می‌کنند، به درگاه تو نیایش می‌کنیم. برای کارگران خدا که در شفقت برادرانه در خدمت دیگران هستند، به درگاه خدای بخشاینده مهربان نیایش کنیم. برای همه کسانی که به خانه خداوند وارد می‌شوند و با هم در یک پرستش و یک تضرع گرد هم آمده‌اند خدای پرشکوه را نیایش کنیم. برای پاک شدن قلب‌هایمان، برای بخشایش همه گناهانمان به درگاه خدای مهربانی‌ها و رحمت نیایش کنیم. برای همه کسانی که در ایمان به تو خفته‌اند و در انتظار بازگشت پرشکوه تو می‌باشند، ای خداوند روح‌ها و داور همه آدمیان تو را نیایش می‌کنیم. (آیین رومی)

سرود ۳:

غرفه در روشنایی توسط سخن تن یافته
خیره به شکوهش در جسم بشری
رسولان چهره بر خاک فریاد برداشتند:
«خداوندا، خدای پدرانمان تو متبارکی.»

صورت خدای نادیدنی را با دیدگان خود دیدیم
فرزندان آدمی صدای پدر را شنیدند
آری، الوهیت در وجود ما درخشیدن گرفته
در پسر محبوب، ما نیز به فرزندخواندگی برگزیده شده‌ایم

نه از راه فرزندخواندگی، بلکه از راه سرشت، تویی آن پسر
تو یکتا، سخن که مایه خشنودی پدر است
در بین ما، بدون تغییر تو جایگاه خود را برمی‌نشانی
تا بشر پراکنده را در خود متحد گردانی

مسیحا تو در طی قرن‌ها هم خدایی و هم انسان
که از ازل پدر وی را برشته است
و در عالم بشری از عذرابی مقدس زاده شده است
تنها مسیح همه چیز است و در سراسر هستی است. (آیین بیزانتین)

استغاثه شفاعت

خداوندا بر ما ترحم فرما

برای صلحی که آسمانی است، برای خیرخواهی خدا نسبت به ما و نجات زندگی‌مان، خداوندا به تو نیایش می‌کنیم. برای صلح جهانی و اتحاد همه کلیساهای مقدس خداوندا به تو نیایش می‌کنیم. برای این انجمن مقدس و همه کلیساهای کاتولیک و رسالتی، از این کران تا آن کران زمین، خداوندا به تو نیایش می‌کنیم. برای کسانی که در اندیشه درماندگان، بیوه‌زنان و یتیمان، بیگانگان و تهیدستان هستند، برای کسانی که از ما خواسته‌اند که در نیایش‌هایمان از آنها یاد کنیم، خداوندا به تو نیایش می‌کنیم. برای سالخوردگان و از پا افتادگان، برای بیماران و بدبختان و کسانی که به تأثیر روح شریب در عذابند، خداوندا به تو نیایش می‌کنیم تا خدا ایشان را شفای عاجل بدهد. برای همه کسانی که در سفر، در اسارت، در تبعید و در زندان هستند، برای آنکه بازگشتی خوش به خانه‌هایشان در شادمانی داشته باشند، خداوندا به تو نیایش می‌کنیم. برای برادران و خواهران که در اینجا حاضر یا غایب می‌باشند و با ما در این لحظه و در همه لحظه‌ها در نیایش می‌باشند، برای اینکه به همت در این لحظه و در همه لحظه‌ها در نیایش می‌باشند، برای اینکه

به همت آیند، کوشا گردند و هوشمند، خداوندا به تو نیایش می‌کنیم. (آیین سریانی)

۱۰- عید به خواب رفتن حضرت مریم

سرود

ای مریم عذرا، تو مأمن خدایی
تو چشمه‌ای هستی که دست آدمی آن را حفر نکرده است
آبی که گناهان را می‌زداید، از تو جوشیده است
ای زمین شیار نیافته، بارور از روح‌القدس

تو تاک محبوب و یکتای پدری
که شراب بقا را به ما می‌دهد
زیتون سرسبز رحمت
مغاک زمین نمی‌تواند تو را در خود گیرد

همانگونه که سخن، در تن خویش که از تو آن را بگرفت
زنده از گور و مرگ برخاست
همچنان باید مادر بی‌آلایشش را که به او زندگانی بخشیده بود
به شکوه خویش درمی‌آورد

تو را به شگفتی‌های محبت، شکل داد
تا نخست‌زاده از رحم عذرائی تو پا به جهان گذارد
با تن زنده خود به سوی پدر شد
و در تو معبد ملکوت را برپا کرد. (یوحنا دمشقی)

استغاثه شفاعت

خداوندا بر ما ترحم فرما

ای مسیح، دلخواه مردمان، نور نوید خود را در مناطقی که هنوز سخن زندگی تو را دریافت نکرده‌اند، بدرخشان.
تو که مادر خویش را به ملکوت خود فرا خواندی، همه آفریدگان را به سوی خود بخوان و باشد که نجات تو تا
دور دست‌ترین نقاط جهان برسد. ای مسیح، خداوندا، همانطور که وعده داده‌ای در کلیسای خود تا پایان برقرار بمان.
ای کسی که همه چیز را بجای می‌آوری، پهنه کلیسای خود را بگستران تا برادرانه همه مردمان را از هر زبان و نژادی
پذیرا گردی. ای پادشاه صلح و آرامش، ملت‌ها را با دست قوی خود هدایت فرما تا بجای آورنده مشیت نجات و
رحمت تو باشند. تو که ما را به مادر بی‌آلایش خود سپرده‌ای، قدرت بینوایان باش، آنانی را که به وسوسه فرو رفته‌اند،
قوی گردان، آنانی را که فرو افتاده‌اند برخیزان. به زودی بیا تا همه را در ملکوت خود گرد آوری، ایمان آنانی را که
شکنبه دیده‌اند تقویت فرما و به همه شادی امید و شوق محبت عطا فرما. (آیین تزه)

۱۱- عید صلیب پر جلال

سرود ۱:

خداوندا وقتی به صلیب کشیده شدی
آدم را با طبیعت ساقطش بر نمودی
ما صلیب زندگانی بخش تو را شکوهمند می‌داریم
ای مسیح، دوست آدمیان، فر و شکوه تو را باد!

مرگ با انسانی درآمده است
رستخیز نیز با انسانی درآمده است

همانگونه که در آدم مرگ ما را شکست داد
همانگونه در مسیح نیز دوباره زندگانی می‌یابیم

بر چوبی که پاهای معصوم خود را قرار دادی
کلیسایت به وجد آمد، مسیح مرگ را مقلوب کرد
ما نظاره‌گر شکوه تو بودیم، زیرا بدانجاست که تو سلطنت می‌کنی
تا هر نوع مرگ به زیر پای تو نهاده شود

ای درخت نوین ملکوت که در راهی، درود
که در آن ملل پراکنده از هم را پناهی هست
در تو همه نجات یافته‌اند و از شادی در پوست خود نمی‌گنجند
خداوندا ما را غریق رحمت خویش گردان. (آیین بیزانتین)

استغاثه مدح و ثنا

در سراسر قرن‌ها شکوه تو راست!

خداوندا با صلیب تو، مردم و حکام، نژادها و طبقات، تدابیر در هم شکسته، درماندگان محروم، به آشتی و صلح تن
درخواهند داد. با صلیب تو کلیسایت به وجد خواهد آمد، زیرا با فروتن ساختن اوست که تو آنها را به خود شبیه
خواهی گردانید. صلیبی که از خداست، صلح را به بشر ارزانی خواهد داشت، تو خداوند صلح، آن را به بشر ارزانی
فرما. خداوندا، صلیب تو کلیسایت را نیرومند خواهد گردانید، این با ناتوانی توست که انجیل تو قدرت خدا برای همه
باورآوردگان است. خداوندا صلیب تو در همه قلب‌ها می‌درخشد، صلیب پشتیبان بشر درمانده است. با صلیب توست
که بشر در آسایش پدر می‌آساید، آری یوغ تو خفیف است و بار تو سبک. (آیین کلدانی)

سرود ۲:

ای صلیبی که ایمان به توست
ای درخت نورانی که در میان ما یکتایی
در هیچ پیشه‌ای مانند تو بوجد نیاید
نه مانند شاخه‌های و نه گل و میوه‌های

ای چوب خوش عطر ای میخ‌های مبارک
چه وزنی را تحمل می‌کنید؟
ای درخت تنومند، بازوانت را پایین آور
و کالبد از هم پاره‌اش را رها ساز

تو تنها شایسته حمل قربانی جهان بودی
تو آن کشتی هستی که جهان مغروق را به بندرگاه نجات می‌رسانی
تو که در آن خون الهی جاری از تن بره غرقه هستی
و سراسر جهان در امواج آن شستشو گردیده است

ای قربانگاه درود ما به توست! درود بر تو
آنجاست که زندگانی مرگ را متحمل گردیده است
و از ره مرگ، زندگانی را به ما پس داده است. (آیین رومی)

خداوندا بر ما ترحم فرما

با صلیبت، خداوندا کلیسایت را پابرجا دار، قوم خود را دوام بخش، ایمان آورندگان و کشیشانشان را مطهر دار، آنانی که تو را به میراث برگزیده‌اند، شادمان گردان. خداوندا به صلیبت، کهنسالان را مراقبت فرما، به جوانان خردمندی عطا کن، خردسالان را پروران و کودکان را به بار آور. با صلیبت خداوندا، گناهکاران را ببخش و نسبت به جاهلان اغماض نما. با صلیبت، خداوندا، سراسر جهان را محافظت فرما و مادر میان ما که همیشه به تو تضرع می‌کنیم، باش. خداوندا، قوم تو، رنج تو را تجلیل می‌کند، جراحات تو را بر خود می‌گیرند، ضرباتی را که به تو زده‌اند بر خود هموار می‌کند، کوفتگی‌های تو را بوسه می‌زنند و به صلیب تو تجلیل می‌یابند. همه را نجات ده خداوندا، وعده‌هایت را نسبت به آنان به انجام رسان، به روز رستاخیز به دیدار ما بشتاب تا تصویر ما شبیه به تو درخشان گردد. ای خداوند مهر و نیکویی، از دل غم‌ها را بزدای، آب دیده دردمندان را پاک کن، ما را از روح تسلی‌بخش خویش سرشار گردان، زیرا تو تنها مایه امید ما هستی. (آیین سریانی)

سرود ۳:

موسی بازوان خود را همانند صلیب تو گشوده
و دشمنان را در بیابان پراکنده ساخت
تا قومش دوباره نیرو گرفته و بر تو ایمان آورد
در واقع ای مسیح، او از قبل قدرت و توان صلیب تو را نشان می‌داد

از صلیب تو، تجلیل شد و شیاطین گریختند
صلیب تو، آفرینش را از اسارت رهایی بخشید
صلیب تو، ما را از تمام نعمات الهی منور ساخت
خداوندا، اعمال تو بس عظیم‌اند. سپاس بر تو باد!

درود بر تو ای صلیب جان‌بخش، ای درگاه بهشت و ای قیام مؤمنین
تو قدرت مرگ را در هم فرو ریخته
و ما را از زمین به سوی آسمان بالا کشیدی
پس سرچشمه نجات و شادی جهان، در توست

درود بر تو ای صلیب، ای آزادی‌بخش جهانیان
ای نشانگر شادی راستین و ای راه‌گشای نابینایان و شفا‌بخش بیماران
تویی که مردگان را برمی‌خیزانی و ما را در الوهیت سهیم می‌گردانی
خداوندا، ما را در ملکوت خود بیاد آور. (آیین بیزانتین)

۱۲- عید تقدیس کلیسا

سرود:

اینک داماد در دل شب می‌آید
اگر بنده‌اش را بیدار یابد، خوشا به حال او
پس بیدار بمانیم و در خواب سنگین فرو نرویم
تا مغلوب مرگ نگشته و از ملکوت رانده نشویم

از سستی دوری کنیم و در پرستش بیدار بوده، بگوییم:
قدوس، قدوس، قدوس، ای خدای ما،
پدر پر شفقت، ای کلام خدا که انسان گردیدی و ای روح تقدس!
با دعا‌های مادر خداوند، بر ما ترحم فرما

در این آخرین مرحله از زمان، رنگ و شکل این دنیا می‌گذرد
اینک داماد می‌آید و در آستانه می‌ایستد
باکره‌های مقدس، درخشان از شادی
فانوس به دست، به ملاقات او می‌شتابند

باکره‌های نادان، فانوس خاموش به دست
بیهوده به درب ضیافت ملکوت هجوم می‌آورند
پس بیدار بمانیم و پرهیزکار باشیم و خود را زلال نگاه داریم
و با امید به سوی خداوندی بنگریم که به زودی می‌آید. (الهام یافته از کتاب مقدس)

استغاثه شفاعت

خداوندا بر ما ترحم فرما

خداوندا کلیسا را به یاد آور، به طور مداوم روح اتحاد، قدرت و تقدس را بر وی نازل گردان. این کلیسا را که در خون خود مظهر کرده‌ای در محبت خویش حفظ فرما، تا ما در روز آمدن تو بری از سرزنش باشیم. ما برای همه آنان که به کلیسا سپرده‌ای دعا داریم، روح احتیاط و تقدس خود را به ایشان ارزانی دار تا ما را به سوی تو رهنمون باشد. خداوندا برای کسانی که ملت‌ها را رهبری می‌نماید دعا داریم، به آنان حس عدالت‌خواهی را ارزانی فرما تا تأمین‌کننده نیکی‌ها و صلح برای همه باشند. از میان ما پیکهای سخن خود را برگزین تا نور راستی تو را به دورترین نقاط جهان برسانند. خداوندا به مؤمنان خود روح نیایش و ستایش ارزانی فرما، تا در هر امری به طور مداوم سپاسگزاری به جای آوریم. (آیین تزه)

سعادت‌های ازلی

خداوندا در ملکوت خویش از ما یاد کن
خوشا به حال درماندگان در روح
زیرا ملکوت آسمان‌ها از آن ایشان است
خوشا به حال نرم‌خویان، زیرا زمین را به میراث خواهند برد
خوشا به حال مصیبت‌زدگان، زیرا آنان تسلی خواهند یافت
خوشا به حال گرسنگان و تشنگان عدالت
زیرا آنان سیراب خواهند شد

خوشا به حال رحم‌کنندگان، چه بر آنان رحمت خواهد شد
خوشا به حال قلب‌های پاک زیرا خدا را خواهند دید
خوشا به حال بنیانگذاران صلح زیرا پسران خدا نامیده خواهند شد
خوشا به حال شکنجه‌شدگان به خاطر عدالت
زیرا ملکوت آسمان از آن ایشان است

شما چه سعادت‌مندید وقتی شما را دشنام می‌دهند و شکنجه می‌کنند و به هر طریق به خاطر من به شما تهمت می‌زنند،
خوشحال و شادمان باشید،
زیرا پاداش شما در آسمان‌ها بزرگ خواهد بود
فر و شکوه پدر، پسر و روح‌القدس راست، هم اکنون و جاودانه
از قرنی به قرنی آمین.
خداوندا در ملکوت خویش از ما یاد کن

دعای عیسی

«عیسای مسیح، خداوند و نجات‌دهنده ما، بر من گنهکار رحم فرما.»

رازهای شادمانی

راز اول: بشارت فرشته به مریم مقدس را به یاد بیاوریم

ای پدر ما که در آسمانی، تقدیس شود نام تو، بیاید فرمانروایی تو، روان باد خواست تو روی زمین، چنانکه در آسمان است. آن نان روزانه ما را امروز به ما ده، ببخشای گناهان ما را چنانکه ما نیز می‌بخشیم مدیونان خود را، ما را در وسوسه میاور، بلکه از شریر ما را رهایی ده، زیرا فرمانروایی و قدرت و جلال تا به ابد از آن توست، آمین.

درود بر تو ای مریم، پر از نعمت، خدا با توست، در میان زنان تو مبارک هستی و عیسی میوه درون تو مبارک است. ای مریم مقدس، مادر خدا، برای ما گناهکاران اکنون و در هنگام مرگ ما دعا کن، آمین.

جلال بر پدر و پسر و روح‌القدس، از آغاز تا به ابد، آمین.

راز دوم: رفتن مریم مقدس نزد الیصابات را به یاد بیاوریم

ای پدر ما... جلال بر پدر و پسر و روح‌القدس...

راز سوم: تولد مسیح در بیت لحم را به یاد بیاوریم

ای پدر ما... جلال بر پدر و پسر و روح‌القدس...

راز چهارم: تقدیم کردن عیسی در معبد را به یاد بیاوریم

ای پدر ما... جلال بر پدر و پسر و روح‌القدس...

راز پنجم: گم شدن عیسی در معبد و سپس باز یافتن او را به یاد بیاوریم

ای پدر ما... جلال بر پدر و پسر و روح‌القدس...

دعای عیسی را در باغ جتسیمانی قبل از تسلیم شدنش به یاد بیاوریم

ای پدر ما که در آسمانی، تقدیس شود نام تو، بیاید فرمانروایی تو، روان باد خواست تو روی زمین چنانکه در آسمان است. آن نان روزانه ما را امروز به ما ده، ببخشای گناهان ما را چنانکه ما نیز می‌بخشیم مدیونان خود را، ما را در وسوسه میاور، بلکه از شریر ما را رهایی ده، زیرا فرمانروایی و قدرت و جلال تا به ابد از آن توست، آمین.

درود بر تو ای مریم، پر از نعمت، خدا با توست، در میان زنان تو مبارک هستی و عیسی میوه درون تو مبارک است. ای مریم مقدس، مادر خدا، برای ما گناهکاران، اکنون و در هنگام مرگ ما دعا کن، آمین.

جلال بر پدر و پسر و روح‌القدس، از آغاز تا به ابد، آمین.

راز دوم: تازیانه خوردن عیسی را به یاد بیاوریم

ای پدر ما... جلال بر پدر و پسر و روح‌القدس...

راز سوم: تاجگذاری عیسی را با خار به یاد بیاوریم
ای پدر ما... جلال بر پدر و پسر و روح القدس...

راز چهارم: عیسی را در حال حمل صلیب به تپه جلعتا به یاد بیاوریم
ای پدر ما... جلال بر پدر و پسر و روح القدس...

راز پنجم: مصلوب شدن و جان سپردن عیسی را به یاد بیاوریم
ای پدر ما... جلال بر پدر و پسر و روح القدس...

رازهای جلال

راز اول: رستاخیز عیسی را به یاد بیاوریم

ای پدر ما که در آسمانی، تقدیس شود نام تو، بیاید فرمانروایی تو، روان باد خواست تو روی زمین، چنانکه در آسمان است. آن نان روزانه ما را امروز به ما ده، ببخشای گناهان ما را چنانکه ما نیز می‌بخشیم مدیونان خود را، ما را در وسوسه میاور، بلکه از شریر ما را رهایی ده، زیرا فرمانروایی و قدرت و جلال تا به ابد از آن توست، آمین.

درود بر تو ای مریم، پر از نعمت، خدا با توست، در میان زنان تو مبارک هستی و عیسی میوه درون تو مبارک است. ای مریم مقدس، مادر خدا، برای ما گناهکاران اکنون و در هنگام مرگ ما دعا کن، آمین.

جلال بر پدر و پسر و روح القدس، از آغاز تا به ابد، آمین.

راز دوم: صعود عیسی به آسمان را به یاد بیاوریم

ای پدر ما... جلال بر پدر و پسر و روح القدس...

راز سوم: فرود آمدن روح القدس بر رسولان را به یاد بیاوریم

ای پدر ما... جلال بر پدر و پسر و روح القدس...

دعاهای طلب یاری

خداوندا، با فیض و رحمت بیکرانت و با قدرت پنهان و پرستایش سه گانه مقدست دست مهربانت را از جایگاه پربرکت خود فرود آر و بر ناتوانی پرستندگان قرار ده، همراه با دعای مریم مقدس و تمام مقدسین، ای سرور جمیع عالم، پدر و پسر و روح القدس، تا ابدالابد، آمین.

دعای قبل از صرف غذا

خداوندا، برکت خود را بر ما و بر این سفره که از طرف تو فراهم شده عطا فرما و ما را شایسته ساز که در ملکوتت بر آن سفره آسمانی حضور داشته باشیم، آمین.

دعا

تو را ستایش باد
ای نوبر هستی که متعال و پر جلال
چون قربانی خود
نجات را به جهان ارزانی داشتی

ای مسیح، ای پسر پدر آسمانی
به حضورت با ترسی آمیخته از احترام، دعا می‌کنم
خداوندا، در پی اراده‌ات و در جستجوی رحمت هستم

تا تمام وجودم، از فیض تو تقدیس شود
و جبر و فشار دشمن، بر من بی‌اثر ماند

با رحمت خود، فهم و ادراک من را پاک ساز
تا دست‌هایم را در پاکی بگسترانم
و تن و خون مقدس و سهمناک تو را بپذیرم
با زوفای فیض‌بخش خود
ذهن باطنی‌ام را پاک ساز
چون در شرف نزدیک شدن به قدس‌الاقداس «رازهایت» می‌باشم

من را از افکار جسمانی بشوی
و درکی را که از آن روح توست
با زوفای روحم درآمیز
بگذار ایمانی در من ساکن شود
که «رازهای» تو را بنگرد

تا من نیز قربانی‌ات را
نه با دید خود، بلکه همانطور که هستی بنگرم
باشد که فکر من در باطن وجودم
به سوی قربانی نهفته‌ات، سفر کند
همانطور که آشکارا سفر کردی
و با «رازهایت» درآمیختی

در این لحظه
باشد که خود را کاملاً از یاد ببرم
و هیچگونه توجهی به خود نکنم
باشد که هر تصویر جسمانی، از چشم ذهنم، شسته شود
و باشد که تنها تو در برابر چشم ذهنم، مجسم شوی

و اکنون
در وقت فرود آمدن روح تو از آسمان بر «رازهایت»
باشد که من در روح، از زمین به آسمان صعود کنم

در این وقت
هنگامی که قدرت تو با نان درمی‌آمیزد
باشد که زندگی من با زندگی الهی تو بیامیزد

در این لحظه
هنگامی که شراب، تغییر یافته و به «خون تو» تبدیل می‌شود
باشد که افکارم مست اختلاط با «محبت تو» شوند

در این وقت
هنگامی که «بره» روی قربانگاه، گسترده شده
باشد که گناه در من مقطوع
و کاملاً از اعضای بدنم برداشته شود

در این لحظه
که تن تو همانند قربانی برای پدر تقدیم می‌شود
باشد که من نیز قربانی مقدسی
برای تو و آن کس که تو را فرستاد گردم
و باشد که دعایم در پیشگاه تو با دعای کشیش، صعود نماید

قسمت دوم:

دست‌های پنهانی در من قرار ده
تا بتوانم با آنها اخگر آتشین حمل کنم
قلبی پاک در من بیافرین
تا قدرت مقدست، در درونم ساکن شود
تا با قدرت روح تو بتوانم به گونه‌ای روحانی
نجات را تنفس نمایم

خداوندا،
چشمانی در درون چشمانم بیافرین
تا بتوانم با چشمان نوین خود
قربانی مقدست را با تعمق بنگرم

خدایا،
شاید قادر به دیدن و درک واقعی
آنچه را که تاکنون دریافت می‌کنم، نباشم
اما من را شایسته ساز که حقیقت آن را دیده و درک نمایم
مانند شمعون ماهیگیر که به خاطر ایمانش متبارک خوانده شد

خداوندا باشد که نه فقط نان را که تن تو
و جام را که خون توست، بچشایم
بلکه ایمانی عطا کن، تا بتوانم تن تو را بنگرم و نه نان را
و خون زنده تو را از جام بیاشامم

خدایا، کامی روحانی عطا کن
که قادر به چشیدن خون تو باشد و نه شراب
من را از تمام نشانه‌های طبیعت جسمانی‌ام تطهیر گردان
و نشانه‌های طبیعت الهی خود را در من بگذار

باشد، در حالی که به تو نزدیک می‌شوم، تنها تو را ببینم
باشد که به آنچه در کنارم قرار دارد، توجه نکنم
و فقط در منزلگاه دعا، در آسمان گام بردارم
و باشد که تو را که در برترین آسمان‌ها هستی، بپذیرم

قسمت سوم:

هنگامی که تولد نوین را از آب‌های تعمید به من دادی
از من موجودی روحانی ساختی
اکنون نیز من را در حالی که به تو نزدیک می‌شوم
موجودی روحانی بنما

چه ترسناک است، خدایا که تن و خون تو
ای مسیح نجات‌دهنده ما
با همان دهانی صرف و نوشیده شود
که غذا و شرب طبیعی تناول می‌شود

خداوندا، تو به موجودات آسمانی
آنچه را که اکنون دریافت می‌کنم، عطا نکردی
در وجودم، احساس حیرت و شگفتی را
نسبت به صلیبت به حرکت درآور، خدایا
و در این لحظه من را از اشتیاق و ایمان پر ساز
تا افکارم با آتش محبت شعله‌ور شده
و چشمانم برای تو جویبار کوچکی از آب شوند

باشد که محبت پنهان تو با افکار من درآمیزد
تا افکار پنهان من با ناله‌ها و اشکها به سویت روان شوند
باشد که جسمم به وسیله تو تقدیس گردد
و باشد که روحم، برای تو به درخشش درآید
باشد که توسط تو، جسم من
از هر بت و تصویر زمینی تطهیر شود
و باشد که توسط تو افکارم پاک و تمام اعضای بدنم تقدیس گردند
باشد که توسط تو ادراکم درخشان شده و ذهنم منور گردد

باشد که وجودم برای تو هیکل مقدسی شود
و از شکوه و عظمت تو آگاه گردد
باشد که در پنهان برای تو رحمی شوم
که تو شب هنگام در آن ساکن شوی
و آنگاه، من شادمانی آسمانی را دریافت خواهم کرد

و در قدس‌الاقداص افکارم
تو را آشکارا پذیرا می‌شوم
و از تن و خون تو
تمام اعضای بدنم، سرخوش و شاد خواهند شد

تو در نان و شراب آشکار کردی
آن راز پنهانت را
در من محبت را آشکار کن
تا آتش اشتیاقی از درونم بدرخشد و بتوانم
تن و خون تو را در محبت پذیرا شوم

با به انجام رساندن قربانی خود
خواسته‌ام را به انجام رسان، دعایم را بپذیر
به سخنانم گوش فرا ده و تمام وجودم را مهور کن

قسمت چهارم:

خدایا، من آشکارا تمام بدنم را

با نشان صلیب، نشان می‌کنم
همانطور که گفته‌ای، خدایا،
من را با حقیقت صلیبیت از طریقی پنهان ممهور کن

باشد که تو را بپذیرم
نه در معده که اعضای بدنم هست
بلکه در رحم ذهنم
تا تو در آنجا بارور شوی
همانطور که در رحم باکره بارور شدی

و باشد که از طریق انجام کارهای معنوی و اعمال نیکو
که باعث خشنودی اراده توست، در من آشکار شوی

باشد که از طریق تناول تن تو
هوس‌های ناپاکم به پایان برسند
و با نوشیدن جام تو امیالم خاموش شوند

باشد که از طعام تو تمام افکارم نیرو بگیرند
و از خون زنده و رنج گرانبهایت
برای پیمودن راه پرهیزکاری و خدمت، قدرت بیابم

باشد که پنهانی رشد کنم و آشکارا نمایان گردم
باشد که دونده‌ای مشتاق شوم
و به مقام آن «شخص پنهان» نائل گردم
باشد که کامل شوم
و تمام اعضای روحم به تکامل رسند
و با تاج کمال تاجگذاری گردند

باشد، همانگونه که وعده دادی
نیم تاجی در دستان تو شوم
ای سرور راستی، ای پادشاه پر جلال
ای خداوند قدرت‌ها و ای خدای متعال

باشد که با تو آمیخته شوم
با محبت و اشتیاق تو
در آن روز اقتدار که درخشان خواهی شد
و در زمان به انجام رسیدن کلامی که می‌گویی:
«در مقابل تو، هر زانویی خم شده
و هر زبانی در آسمان، بر زمین و در ژرفای زمین
نزد تو اقرار خواهد کرد...»

باشد که همراه با موجودات آسمانی
و تمام آنانی که تجلیات را در روح گرامی می‌دارند
تو را اقرار کنم، تمجیدت نمایم و ستایشات کنم
در آن ملکوتی که هیچگاه به پایان نمی‌رسد

اکنون و همیشه، آمین.

دعای دیگر

ای پدر مهربان، من خود را به تو تسلیم می‌کنم
هر آنچه میل توست و هر آنچه بر من کنی از تو سپاسگزارم
من آماده قبول هر چیز از سوی تو هستم
و هر چه تو بخواهی می‌پذیرم
خدا من تمنای دیگری ندارم جز انجام خواست تو در من
و در همه موجودات

ای پدر، من روح خود را
همراه با عشق کامل قلبی خویش در اختیار تو می‌گذارم
چون دوست داشتن تو برای من یک امر حیاتی است
به عشق و علاقه تو بی‌قید و شرط تسلیم هستم
و در تو اعتماد کامل دارم
همه اینها به دلیل این است که تو پدر من هستی

دعای ساده از قدیسی فرانسیسی آسیسی

ای خداوند من را وسیله صلح خود گردان تا:
جایی که نفرت هست، محبت آرم
جایی که اهانت هست، گذشت آرم
جایی که نفاق هست، اتحاد آرم
جایی که خطا هست، راستی آرم
جایی که تردید هست، ایمان آرم
جایی که یأس هست، امید آرم
جایی که ظلمت هست، روشنی آرم
جایی که غم هست، شادی آرم

ای استاد الهی، من را عطا فرما که:
طالب تسلی دادن باشم، تا آنکه تسلی‌ام دهند
طالب درک کردن باشم، تا اینکه درکم کنند
طالب محبت کردن باشم، تا اینکه محبتم کنند

چرا که:

با عطا کردن، دریافت می‌کنیم
با انکار خود، مورد درک قرار می‌گیریم
با بخشودن، بخشوده می‌شویم
با مردن، به حیات برمی‌خیزیم

دعا

«ای خداوند،
تمام آزادی‌ام، حافظه‌ام، ادراکم
و تمام اراده‌ام از آن تو باد!
هر آنچه که دارم و آنچه که هستم
تو به من داده‌ای

و من آن را به اراده الهی تو تسلیم می‌کنم
تا آنچه که می‌خواهی با من انجام دهی
فقط محبت و فیض خود را به من عطا کن
که آن برای من ثروتی کافی است
و دیگر چیزی نمی‌خواهم.»